

وارونه‌نمایی، تناقض و ندامت‌گویی

در نقد اظهارات اخیر رفیق ابراهیم علیزاده

(پنج قسمت در یک فایل)

(۱)

پویا محمدی

اخیراً رفیق ابراهیم علیزاده دبیر اول کومه‌له-سازمان کردستان حزب کمونیست ایران طی مصاحبه‌ای به زبان کردی با رادیو اینترنتی «دیالوگ» از جمله به موضوع اختلاف در میان تشکیلات کومه‌له و حزب کمونیست ایران پرداخته‌اند.

ایشان در این باره ضمن اقرار به وجود اختلاف سیاسی در تشکیلات، به چگونگی شیوه برخورد با این پدیده پرداخته و سپس مسائلی را هم به میان آورده‌اند که طی این نوشته به نقد جوانبی از آنها پرداخته می‌شود.

رفیق ابراهیم در ابتدای صحبت‌های خود در مورد اوضاع تشکیلاتی، می‌گوید:

« بله، وجود اختلاف در میان حزب کمونیست ایران واقعی است، هر چند اطلاعات جمهوری اسلامی، تا حدی هم مخالفین سیاسی ما تلاش می‌کنند بزرگتر از آنچه که هست نشانش دهند و گسترش دهند، اما با اطمینان اکثریت قاطع تشکیلات حزب و کومه‌له متحدند و در این باره نگرانی‌ای نداریم. اما در رابطه با آن اختلاف، پیش‌تر بگویم که هیچ حزب سیاسی جدی‌ای نیست که در آن تمایز در دیدگاه و ارزیابی سیاسی وجود نداشته باشد. به‌خصوص حزب ما بر اساس برنامه و استراتژی و سیاست و تاکتیک مشترک و مورد اعتماد همه‌مان بنا شده و به انجام می‌رسد و اینها هم همه در چهارچوب کردارند، برنامه ما چه برنامه‌مان برای کردستان و چه برنامه سراسریمان یک کلمه درباره ایدئولوژی و باور و عقیده و دیدگاه و ارزیابی سیاسی این طرف و آن طرف در آن وجود ندارد هم‌اکنون مجموعه‌ای عملکرد است: این کارها را باید بکنیم، این برنامه‌ها را باید انجام دهیم. بنابراین وقتی بر اساس برنامه و نیز از راهی که باید از آن عبور کنیم آن را هم مشخص کرده‌ایم با قطعنامه و قرار در این کنگره و آن کنگره هم‌اکنون تثبیت شده است، خارج از آن همه چیز دیگری مجاز است یعنی همه دیدگاه سیاسی، همه ارزیابی متفاوت. فکر و دیدگاه و نظریه سیاسی میدانی گسترده دارد. واقعیتی هست که آنهم درک غلط از کمونیسم است، کمونیسم در جوهر خودش ایدئولوژی نیست، بلکه راهی است برای زندگی. بنابراین مثلاً در حزب سیاسی جدی هم اعضایش بر اساس نظریات سیاسی رسمی و طراحی‌شده قالب‌بندی نمی‌شوند. اعضای یک حزب انسان ماشینی نیستند، آنها انسان گوشت و پوست و استخوان و فکر و مغزند از رویدادهای پیرامون خود تأثیرات متفاوت می‌پذیرند، همه مسئله این است که با آن پدیده یعنی با پدیده وجود نظر متفاوت در حزبی سیاسی چگونه رفتار می‌کنی.»

اینکه بالأخره رفیق ابراهیم علیزاده مجبور می‌شود به وجود اختلاف در این تشکیلات اقرار کند، نشان می‌دهد که ایشان دیگر نمی‌تواند مانند قبل به انکار آن بپردازد و اینک تحت فشار واقعیات جاری در این تشکیلات مجبور است به چنین اقراری تن دهد.

برای کل اعضا و فعالین تشکیلات کومه‌له و حزب کمونیست ایران روشن است که تا قبل از این رفیق ابراهیم با شدت تمام منکر وجود اختلاف (سیاسی) در این تشکیلات بود. اعضای که از وجود اختلاف سیاسی صحبت کرده و آن را به عنوان منشأ بحران و جناح‌بندی جاری در تشکیلات به حساب می‌آوردند را مورد سرزنش قرار می‌داد و ظاهراً لزوم حفظ وحدت تشکیلاتی را به آنان یادآور می‌شد. وقتی هم مجبور شده است که به طور علنی در رابطه وضعیت نابسامان تشکیلات اظهار نظری بکند تنها و تنها به شیوه برخورد به اختلاف سیاسی پرداخته است. از آنجایی که کمیته خارج از کشور حزب هم امروزه در جناح راستی می‌باشند که رفیق ابراهیم در رأس آن قرار دارد، همین رویه انکار را در پیش گرفته و در گزارش دوره‌ای و مکتوب خود به اعضا تأکید می‌کردند که اختلاف سیاسی‌ای وجود ندارد. این منکرین وجود اختلاف سیاسی، رفقایی را که از وجود اختلاف

سیاسی صحبت کرده و آن را به عنوان منشأ بحران و جناح‌بندی جاری در تشکیلات به حساب می‌آورند، به تفرقه‌اندازی و ضدیت با کومه‌له متهم می‌کرده‌اند.

اساساً کاربست متد «کتمان و انکار» از سوی ایشان همواره ابزاری بوده برای پرده‌پوشی و یا لاپوشانی نظرات و دیدگاه‌ها و مواضع امروزی‌شان که در مغایرت کامل با برنامه و استراتژی کومه‌له و حزب کمونیست ایران و سیاست‌های انقلابی و کمونیستی این جریان قرار دارد، به عبارت دیگر روشی بوده برای دور نگه‌داشتن خود از انتقادات و یا پرهیز از رو نشدن دست‌شان برای جامعه. تحت لوای چنین متد ناسالمی، علاوه بر پرداختن به تقویت دیدگاه‌ها و اعمال راست‌روانه و انحلال‌طلبانه‌شان هر از گاهی گوشه‌هایی از این مواضع امروزی‌شان را هم با لفاظی‌های خاص خود نمایان ساخته‌اند و از آنجایی که در انطباق و یا استناد به مصوبات رسمی و سیاست‌های انقلابی و کمونیستی کومه‌له و حزب کمونیست توان دفاع صریح از چنین دیدگاه و مواضعی در قبال انتقادهای وارده بر آنها را ندارند، در حوزه کاری خود با توسل به دروغ‌پردازی و دیگر روش‌های سخیفانه که در واقع شاخص‌های عملی همان متد به حساب می‌آیند، به تقابل و یا حذف رقابلی که با پیگیری و صراحت به نقد آنان برخاسته‌اند، مشغولند. **همین متد کتمان و انکار در واقع بزرگترین لطمه را به وحدت و انسجام حزبی این تشکیلات وارد کرده است. تحت لوای و تأثیرات مخرب چنین متدی با زعامت رفیق ابراهیم بود که امروزه تشکیلات به دو قطب مجزا تبدیل شده است.**

آنگونه که فوقاً از سخنان رفیق ابراهیم نقل شده است، ایشان سپس در نگاه به کومه‌له، به زعم خود می‌خواهد جوانب امر طبیعی وجود اختلاف سیاسی را توضیح دهد. اما از آنجایی که کماکان مطابق با ارکان متد انکار و کتمان رفتار می‌کند، ادعایی می‌کند که با هیچ منطقی سازگار نیست، ایشان می‌گویند که در برنامه سیاسی ما چه در رابطه با سطح سراسری و چه در رابطه با کردستان یک کلمه درباره ایدئولوژی و باور و عقیده و دیدگاه و ارزیابی سیاسی وجود ندارد، هم‌اکنون مجموعه‌ای است از کردار و عمل! (تا آنجا که به امر طبیعی وجود اختلاف سیاسی در یک حزب و شیوه برخورد به آن مربوط می‌شود، رفیق ابراهیم ظاهراً ضمن توضیحاتی در این باره، تصویر نادرستی از طرف‌های درگیر و شیوه برخورد آنها به اختلافات جاری در تشکیلات ارائه می‌دهد که در قسمت بعدی این نوشته به آن پرداخته می‌شود.)

البته رفیق ابراهیم قبلاً و سال گذشته در جریان بخشی از سخنرانی خود به مناسبت روز کومه‌له و طی اعلام فراخوانی خصوصاً برای پیوستن مجدد طیف بریده از کومه‌له یعنی آنهایی که با حزب کمونیست ایران و برنامه و استراتژی کمونیستی کومه‌له در کردستان مرزبندی دارند؛ همین ادعای بی‌منطق را بیان و آن را پشتوانه‌ای برای توجیه فراخوان مورد نظر خود نموده بود. همان موقع طی نوشته‌ای در چهار قسمت و با عنوان «فراخوان به خودی‌ها برای پیوستن به صفوف کومه‌له» از جمله به نقد این ادعا و فراخوان مربوطه ایشان پرداختم. (لینک این نوشته: <http://www.azadi-b.com/arshiw/?p=78205>)

در اینجا نیز مجدداً بایستی به رفیق ابراهیم گفت که برخلاف این چشم‌بندی و وارنه‌نمایی از سوی شما، در برنامه حزب کمونیست ایران و برنامه کومه‌له برای حاکمیت شورایی مردم در کردستان، نه تنها یک کلمه، بلکه صفحات بسیاری در مورد ایدئولوژی و عقیده و باور-در اینجا کمونیستی- و دیدگاه و نظر سیاسی مشخص در این برنامه‌ها وجود دارد. نه تنها برنامه حزب کمونیست و کومه‌له، بلکه به طور منطقی هیچ برنامه مطالباتی و یا سیاسی و اجتماعی‌ای را نمی‌توان سراغ داشت که مهر ایدئولوژی و عقیده و باور مشخصی بر پیکر آن دیده نشود.

آیا یک حزب سیاسی کمونیستی بدون اهداف برنامه‌ای و استراتژی سیاسی که منتج از ایدئولوژی و جهان‌بینی آن است هیچ مفهومی دارد؟ آیا غیر از این است که برنامه حزب کمونیست، اهداف درازمدت و نهایی حزب که همانا به قدرت رساندن طبقه کارگر، برقراری یک جامعه سوسیالیستی و گام نهادن در راستای سازماندهی یک جامعه کمونیستی می‌باشد را بیان می‌کند؟! آیا غیر از این است که استراتژی سیاسی حزب مسیر تحقق همان اهداف برنامه‌ای را نشان می‌دهد؟! آیا نادیده گرفتن جایگاه اهداف برنامه‌ای و استراتژی سوسیالیستی حزب و تأکید یک جانبه بر بخش مطالباتی برنامه حزب آنچنان که مد نظر رفیق ابراهیم است، هیچ خط فاصلی بین یک جریان کمونیستی با احزاب بورژوا لیبرال و ناسیونالیست باقی می‌گذارد؟ جدای از همه اینها، اساساً رد پای برنامه و استراتژی سیاسی حزب در بخش مطالباتی هم به وضوح نمایان است و رفیق ابراهیم نمی‌تواند آن را پرده‌پوشی نماید. باید گفت که تمام بخش مطالباتی برنامه حزب کمونیست ایران با اتکا به تعرض به سرمایه و مناسبات سرمایه‌داری، زمینه مادی تحقق خود را نشان می‌دهد.

رفیق ابراهیم آگاهانه تعریف و تصویری مجرد و منفصل از برنامه حزب کمونیست و کومه‌له ارائه می‌کند. ایشان تأکید دارند که «مطالبات مندرج در این برنامه‌ها، مجموعه‌ای کردار و عمل هستند و هیچ یک از آنها مسئله ایدئولوژی و فکر و عقیده

نیست». اگر چنین باشد پس چگونه می‌توان فرقی بین مثلاً مطالبه «رفع ستم ملی» از سوی کمونیست‌ها، با احزاب ناسیونالیست که آنها هم چنین عنوانی را در برنامه خود گنجانده‌اند، قائل شد؟ یا به همین سان مطالبه «لغو حجاب اجباری» که مطالبه اپوزیسیون لیبرال نیز هست؟ می‌توان گفت که این عقیده و باور، ایدئولوژی و دیدگاه‌های سیاسی ناظر بر طرح هر تک مطالبه‌ای است که متضمن تحقق و یا رفع کامل و واقعی آن در جامعه می‌باشد. آیا اپوزیسیون لیبرال و احزاب ناسیونالیست با عقیده و باور و ایدئولوژی مختص به خود، تمایل و توان آن را دارند که مطالبات جاری و مطرح در جامعه را به طور واقعی و کامل متحقق نمایند؟ پس جدا کردن و یا بی ربط قلمداد کردن مطالبات برنامه‌ای از عقیده و باور سیاسی و نظری، غیرممکن است.

البته رفیق ابراهیم همه این واقعیات را به خوبی می‌داند و در گذشته‌های نه چندان دور همه اینها را برای دیگران بازگو می‌کرد و مورد تأکید قرار می‌داد، اما امروز و در شرایطی که ایشان به تجدید نظر در سیاست و برنامه‌های کمونیستی کومه‌له در غلطیده‌اند، فعلاً بیان صریح نظرات راست‌روانه و انحرافی خود را به مصلحت خود و جناحش نمی‌داند، پس با توسل به چنین تحریفاتی سعی در کم‌رنگ کردن و بی‌خاصیت کردن ایدئولوژی و عقیده و باور کمونیستی در این تشکیلات دارد. اساساً پیش‌شرط جا انداختن نظرات و سیاست‌های راست‌روانه و ناسیونالیستی در تشکیلات همین است.

رفیق ابراهیم در حالی چنین ادعای بی‌منطقی را تکرار می‌کند که سند بیانیه ۵۷ صفحه‌ای که کاملاً مربوط به ایدئولوژی و عقیده و باور کمونیست‌های متشکل در حزب کمونیست ایران و دیدگاه و نظر سیاسی و طبقاتی ناظر بر فعالیت و مبارزه کمونیستی این جریان است به عنوان پیش‌درآمد و زمینه و پشتوانه نظری و عقیدتی مختص به برنامه مطالباتی حزب کمونیست ایران و کومه‌له وجود دارد! این بیانیه همراه با برنامه کنونی حزب که رفیق ابراهیم به آن اشاره دارد هر دو به عنوان اجزای مکمل هم و تحت عنوان اسناد برنامه‌ای حزب کمونیست ایران به تصویب رسیده‌اند. بیانیه حزب کمونیست شامل ۵ فصل است که عناوین آن عبارتند از:

۱- تولید سرمایه‌داری و مبارزه طبقاتی ۲- دولت در جامعه سرمایه‌داری ۳- سیمای کنونی جهان سرمایه‌داری ۴- تجربه شوروی و عواقب آن ۵- آلت‌رناتیو کارگران: انقلاب اجتماعی و سوسیالیسم.

علاوه بر این در برنامه حزب کمونیست ایران قبل از پرداختن به مطالبات، در بیش از چهار صفحه به تبیین پروسه رشد و جهانی‌شدن نظام کاپیتالیستی، پیدایش این نظام در ایران و شکل‌گیری طبقه کارگر، اوضاع این طبقه در رژیم شاه، ستم و استبداد رژیم سلطنتی، انقلاب ایران و سرکوب آن توسط رژیم اسلامی، نظام سرمایه‌داری اسلامی و وضعیت طبقه کارگر؛ پرداخته شده است و به دنبال آن آمده است:

«حزب کمونیست ایران، به مثابه حزبی مارکسیستی، برای پایان دادن به حاکمیت سیاسی و اقتصادی طبقه سرمایه دار، برقراری حکومت کارگری و ایجاد یک جامعه سوسیالیستی مبارزه می‌کند. جامعه‌ای که پایان بخشیدن به استثمار انسان از انسان، زوال دولت و تمام ارکان نگاه‌دارنده‌اش از آن طریق می‌گذرد. هدف غائی ما دستیابی به جامعه‌ای است که در آن آزادی و رفاه همگانی جای اسارت و بی‌عدالتی و محرومیت را می‌گیرد و فرصت‌های یکسان برای رشد و شکوفایی خلاقیت‌ها و تعالی انسان فراهم می‌شود. جامعه‌ای که در آن هرکس به اندازه توانایی‌اش کار می‌کند و به اندازه نیازش از مواهب زندگی برخوردار می‌گردد، و در آن دولتی نیست که بر فراز جامعه قرار بگیرد و بند اسارت تک تک افراد آن را به گذشته‌های استثمار، ستم، خرافه پرستی و جهل گره بزند. از نظر ما سوسیالیسم امری مربوط به آینده‌های نامعلوم و دور دست نیست، بلکه زمینه، توانایی و امکان اجتماعی و اقتصادی آن در بطن نظام سرمایه‌داری ایران فراهم آمده است و تحقق آن به نیروی آگاهی، تشکل و مبارزه طبقه کارگر ممکن خواهد شد. امکانات مادی و ثروت‌های غنی جامعه ایران و همبستگی بین‌المللی کارگری ضامن دوام و پایداری آن خواهد بود. در شرایط حاضر این مبارزه از طریق سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی تنوam می‌یابد و برانداختن این نظام سرکوب و خفقان در ایران هدف بلاواسطه انقلاب کارگری را تشکیل می‌دهد. اما در شرایطی که هنوز نظام سرمایه‌داری برقرار است، حزب کمونیست ایران در عین مبارزه بی‌وقفه و پیگیر برای برقراری سوسیالیسم و ایجاد جامعه‌ای کمونیستی، لحظه‌ای مبارزه برای انجام اصلاحات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پیشرو و مترقی را جهت بهبود شرایط زندگی توده‌های کارگر و زحمتکش و امن‌تر و انسانی‌تر کردن جامعه و محیطی که در آن زندگی می‌کنیم، در چهارچوب همین نظام موجود نیز رها نخواهد کرد. تحقق این شرایط در عین حال زمینه و شرایط مناسب را برای انقلاب کارگری و سوسیالیسم فراهم می‌آورد. بنابراین حزب کمونیست ایران از هم اکنون برای تحقق مطالبات زیر مبارزه می‌کند.»

در برنامه کومه‌له برای حاکمیت مردم در کردستان نیز قبل از پرداختن به مطالبات آمده است:

«کومهله بر طبق برنامه حزب کمونیست ایران برای پایان دادن به حاکمیت سیاسی و اقتصادی طبقه سرمایه‌دار و ایجاد یک جامعه سوسیالیستی مبارزه می‌کند. هدف نهایی ما دستیابی به جامعه‌ای است که در آن آزادی و رفاه همگانی جای اسارت و بی‌عدالتی و محرومیت را می‌گیرد و فرصت‌های یکسان برای رشد و شکوفایی خلاقیت‌ها و تعالی انسان فراهم می‌شود. جامعه‌ای که در آن هرکس به اندازه توانایی‌اش کار می‌کند و به اندازه نیازش از مواهب زندگی برخوردار می‌گردد، و در آن دولتی نیست که بر فراز جامعه قرار بگیرد و بند اسارت افراد آن را به گذشته‌های استثمار، ستم، خرافه‌پرستی و جهل گره بزند. اما در شرایطی که هنوز نظام سرمایه‌داری برقرار است، ما در عین مبارزه بی‌وقفه برای برقراری یک نظام سوسیالیستی، لحظه‌ای مبارزه برای انجام اصلاحات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پیشرو و مترقی را جهت بهبود شرایط زندگی توده‌های کارگر و زحمتکش و تحت ستم و امن‌تر و انسانی‌تر کردن جامعه و محیطی که در آن زندگی می‌کنیم در چهارچوب همین نظام موجود نیز رها نخواهیم کرد. اعلام برنامه کومهله برای حاکمیت مردم در کردستان گامی مهم در جهت این استراتژی است. کومهله حق کلیه ملل ساکن ایران را در تعیین سرنوشت خویش به رسمیت می‌شناسد. در عین حال خواهان اتحاد آزادانه و داوطلبانه کلیه ملل ساکن ایران است. از نظر ما مصالح مبارزه طبقه کارگر برای سوسیالیسم، وحدت و یگانگی سیاسی و حزبی طبقه کارگر ایران را ایجاد می‌کند و کومهله در راه تأمین وحدت طبقه کارگر ایران در همه عرصه‌های مبارزاتی می‌کوشد.»

پس از این همه عبارات و جملات در مورد عقیده و باور، باز هم قبل از پرداختن به مطالبات مندرج در برنامه کومهله برای حاکمیت مردم در کردستان، آمده است:

«نظر به اینکه: • بحران اقتصادی و سیاسی رژیم جمهوری اسلامی و مصائب و مشقات ناشی از حاکمیت نظام سرمایه‌داری، رشد جنبش کارگری و دیگر جنبش‌های اجتماعی و نارضایتی عمیق توده‌های مردم، وقوع یک برآمد توده‌ای، چشم‌انداز سرنوشتی جمهوری اسلامی و برچیده شدن بساط نیروها و حاکمیتش در کردستان را به یک امکان مادی و واقعی تبدیل کرده است، • احزاب و نیروهای بورژوازی موجود در کردستان از هم اکنون تلاش می‌کنند تصویر خودشان را از پیروزی جنبش کردستان به افکار عمومی القا کنند و می‌خواهند استقرار یک حکومت فدراتیو مبتنی بر سیستم پارلمانی را به عنوان مکانیسم دخالت مردم در امور سیاسی و اداره جامعه و محتوای پیروزی به مردم تحمیل کنند، • ارائه یک تصویر روشن از معنای پیروزی جنبش انقلابی کردستان، چگونگی شرکت مستقیم توده‌های مردم کردستان در حاکمیت سیاسی و اداره جامعه و چگونگی تحقق خواست‌ها و مطالباتشان مبرمیت پیدا کرده است، و تبدیل کردن معنی و مفهوم واقعی پیروزی به شعور عمومی توده‌های مردم ستمدیده کردستان از پیش شرط‌های پیروزی جنبش انقلابی کردستان می‌باشد؛ کومهله (سازمان کردستان حزب کمونیست ایران) که خود از برپاکنندگان و سازمان‌دهندگان جنبش انقلابی در کردستان بوده است و از حمایت بخش‌های وسیعی از جامعه کردستان برخوردار است، برنامه خود را برای حاکمیت مردم مبتنی بر سیستم شورایی در کردستان اعلام می‌دارد.»

باز هم قبل از مطالبات موجود در برنامه فوق، مطابق با استراتژی سوسیالیستی کومهله در کردستان، در هبند به «ملزومات تحقق حاکمیت مردم در کردستان»، پرداخته شده است.

هدف از درج اسناد فوق این است که نشان داده شود در برنامه حزب کمونیست ایران و برنامه کومهله برای آینده کردستان، کلمات، عبارات و مفاهیم بسیاری در مورد ایدئولوژی و عقیده و باور و دیدگاه و نظر سیاسی وجود دارد و همه اینها جایگاه مهمی در راستای تحقق واقعی این برنامه‌ها و هر تک مطالبه‌ای در این باره، دارند.

رفیق ابراهیم علیزاده برای تأمین مقاصد امروز خود، برخورد بسیار ناروا و تنزل دهنده‌ای در حق برنامه و اهداف و مطالبات مبارزاتی کومهله و حزب کمونیست ایران انجام می‌دهد. ارائه تصویری ناقص از اسناد پایه‌ای و برنامه‌ای این حزب و تشکیلات، مخدوش نمودن و تهی کردن آنها از جوهر اعتقادی کمونیستی و کارگری است. مابه‌ازای اجتماعی چنین عملکردی همانا مخدوش نمودن مرزبندی‌های طبقاتی و سیاسی و در غلطیدن به پوپولیسم است.

۱ شهریور ۱۳۹۹

۲۲ آگوست ۲۰۲۰

همانطور که در ابتدای قسمت اول این نوشته اشاره شد، رفیق ابراهیم علیزاده پس از چند سال کتمان و یا انکار وجود اختلاف سیاسی در تشکیلات، سرانجام تحت فشار واقعیات جاری در درون و بیرون از تشکیلات به وجود اختلاف سیاسی در کومهله و حزب کمونیست ایران اقرار نمودند. این، ناکامی آشکاری برای ایشان و جناح تحت رهبری اش محسوب می‌شود. رفقا محققند از ایشان پرسند شما که تا دیروز منکر اختلافات سیاسی بودید و آنرا غیر واقعی و یا دسیسه احزاب دیگر می‌دانستید و در این باره کلی انرژی و وقت تلف کردید، اکنون چه شده است که به وجود آن اقرار می‌کنید؟!

رفیق ابراهیم در مصاحبه خود با رادیو اینترنتی «دیالوگ» می‌گوید:

«بله، وجود اختلاف در میان حزب کمونیست ایران واقعی است، هر چند اطلاعات جمهوری اسلامی، تا حدی هم مخالفین سیاسی ما تلاش می‌کنند بزرگتر از آنچه که هست نشان دهند و گسترش دهند، اما با اطمینان اکثریت قاطع تشکیلات حزب و کومهله متحدند و در این باره نگرانی‌ای نداریم.»

چند سال قبل و از بدو شروع نقدها به نظرات و مواضع راست‌روانه معدودی از رفقای رهبری کومهله، رفیق ابراهیم ظاهراً خود را مسکوت نشان می‌داد. روشن بود که سکوت ایشان در قبال یک چنین نظراتی نشان از رضایت و سمپاتی به آنان است. بعد از مدتی که نقدها ادامه پیدا کرد، رفیق ابراهیم همزمان با انکار وجود اختلاف سیاسی، به بهانه چگونگی «شیوه برخورد به نظرات مخالف» ضمن به میان آوردن مباحثی، به سرزنش و حتی تحقیر رفقای که با حساسیت به دیدگاه‌های راست‌روانه و انحلال‌طلبانه موجود در رهبری کومهله می‌پرداختند، روی آورد. از آنان به عنوان «مالیخولیایی و مریض»، «ذربین‌گذار بر مغزها»، «کاشف گرایشات»، «سر کار گذاشتن خود»، «تحقیر کردن خود»، و ... نام می‌برد. مدتی گذشت و با تعمیق اختلافات، این بار رفیق ابراهیم به طور آشکار این رفقا را به «حزب کمونیست کارگری» منتسب کرد. وقتی این هم کارساز نبود، در مرحله بعد موضوع «دشمن و جمهوری اسلامی» را به میان آورد.

تمام این تلاش‌های عبث به این خاطر بوده و هست که ایشان از همان روز اول می‌دانست که نقدها صرفاً به نظرات راست‌روانه رفیقی چون جمال بزرگپور محدود نمی‌ماند و به زودی رفقا در دفاع از سیاست‌های کمونیستی کومهله، نقدهای خود را مستقیماً متوجه خود ایشان خواهند کرد. پس در صدد این بود که بلکه بتواند در هر مرحله‌ای رفقا را به عقب‌نشینی و یا سکوت وادار نماید. برگزاری جلسه به اصطلاح آموزشی «فرهنگ و اخلاق کمونیستی در مجادلات سیاسی» از سوی ایشان، در واقع تلاشی بود برای بستن دهان‌ها و کارکردی به غیر از ایجاد فشار علیه رفقا دربرداشت. در ورطه عمل، فرهنگ و اخلاق غیرکمونیستی بود که تجلی می‌یافت و از این زاویه فشارهای زیادی به رفقا تحمیل می‌شد، اما هیچ کدام نتوانست اهداف مورد نظر ایشان را تأمین کند و در مقابل، دامنه نقدها روزبروز گسترش می‌یافت.

اگر تا دیروز رفقای در این تشکیلات نظرات رفیق جمال بزرگپور مبنی «اداره جامعه کردستان در دوره گذار توسط احزاب» را نقد می‌کردند، امروز و با اعلام رسمی همین نظر از سوی رفیق ابراهیم در مراسم روز کومهله روبه جامعه کردستان، نقدهای بسیاری نه تنها از سوی رفقای تشکیلاتی، بلکه از سوی احزاب چپ و کمونیستی در ایران و نیز در داخل جامعه کردستان گریبانگیر خود ایشان شده است؛ و این به راستی که طنز تلخی است که خود رفیق ابراهیم بازیگر اصلی آن است. فقط توسل به یک چنین اپورتونیسمی می‌توانست نظری را از روی «ناقچه» به پشت تریبون رسمی کومهله ببرد و آن را به سطح یک موضع و جهت‌گیری از سوی رهبری امروز کومهله برساند! (یادآوری: رفیق جمال قبلاً گفته بودند که نظرات خود را پیگیری نکرده و آن را روی ناقچه گذاشته‌اند.)

بله! با یک چنین روش (ترفند)هایی بوده است که سیاست و اعمال متضاد با استراتژی سیاسی و برنامه کومهله برای حاکمیت مردم در کردستان و برنامه و استراتژی حزب کمونیست ایران، در این تشکیلات **به طور خزنده** قوت یافته و عملاً از سوی رهبری امروز کومهله به اجرا در می‌آید. برای ایشان مصوبات رسمی و اسناد کنگره‌ها هم فقط برای «تزیین و پتیرین» و «خالی نبودن عریضه» است، در این میان رفیق ابراهیم به طور عملی بیش از هر کس دیگری این اسناد و مصوبات را پایمال نموده است.

رویکرد مورد اشاره فوق یعنی «دشمن‌تراشی» و «فرافکنی»، جایگاه ویژه‌ای در شیوه رفتار و برخورد جناح راست نسبت به رفقای منتقد دارد. پرونده‌سازی، حذف، تخریب و ترور شخصیت از مؤلفه‌های شوم چنین رویکردی است که روزانه علیه رفقا به کار گرفته می‌شود (نمونه‌ها بسیارند).

کافی است به صحبت خود رفیق ابراهیم که در بالا آمده است توجه کرد تا به عمق مضرات و عواقب ناگوار این رویکرد ناسالم پی برد. رفیق ابراهیم در جواب خود به اولین سؤال مجری رادیو دیالوگ در مورد وضعیت تشکیلات، پس از چند کلمه برای اقرار کوتاه به وجود اختلاف در تشکیلات، بلافاصله به «اطلاعات رژیم اسلامی» و «مخالفین سیاسی ما» اشاره می‌کند. برای هر کسی می‌تواند جای سؤال باشد که چرا دبیر اول یک حزب، در اولین جمله خود در یک مصاحبه در مورد اختلافات در حزبش، بلافاصله به دشمنان و مخالفین سیاسی حزبش اشاره می‌کند؟! این چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟! شاید رفیق ابراهیم مجدداً بگوید «دارید ذر بین می‌گذارید و در لابلای کلمات می‌گردید!!»

کسی منکر توطئه و تلاش و جنگ روانی رژیم اسلامی در عرصه‌های گوناگون علیه احزاب سیاسی اپوزیسیون (در اینجا کومهله) برای ضربه‌زدن و یا تضعیف آنها، نیست. اما برای اشاره به چنین واقعیتی، اگر کسی ریگی در کفش نداشته باشد، آن را نه در اولین کلام توضیحی‌اش درباره وجود مثلاً یک مشکل و بحران سیاسی در حزب و تشکیلاتی؛ بلکه در جای مناسب خود به آن می‌پردازد. جدای از این، آغاز سخن و بلافاصله اشاره‌ای اینچنین به رژیم و یا مخالفین سیاسی، خود می‌تواند دل آنان را شاد کند از اینکه یک چنین ثقلی برایشان قائل شده‌اند.

رفیق ابراهیم در ادامه صحبت‌های خود، در مورد «شیوه برخورد به نظر مخالف» می‌گوید:

«... اعضای یک حزب انسان ماشینی نیستند، آنها انسان گوشت و پوست و استخوان و فکر و مغزند از رویدادهای پیرامون خود تأثیرات متفاوت می‌پذیرند، همه مسئله این است که با آن پدیده یعنی با پدیده وجود نظر متفاوت در حزبی سیاسی چگونه رفتار می‌کنی. در کومهله و از همان اوایل تشکیل آن، از روزی که کومهله تشکیل شده می‌توانم بگویم یکی دو ماه بعد از تشکیل‌اش، دیدگاه متفاوت پیدا می‌شود و این بوده و تا به امروز هم آمده است. هیچ وقت در هیچ مقطع و مرحله‌ای از تاریخ سیاسی کومهله و بعدها که حزب کمونیست ایران هم تشکیل شد در تاریخ سیاسی حزب کمونیست هم هیچ مقطعی نیست که در آن اختلاف سیاسی وجود نداشته باشد و این تا وقتی به نتیجه عملی کاملاً متفاوتی منجر نشده باشد تا وقتی در پلنومی در کنگره‌ای آنچنان فرموله نشده باشد آن اختلاف که اعضای کنگره اعضای تصمیم‌گیرنده در موضع انتخاب قرار بگیرند بین این یا آن، هیچ وقت بحران ایجاد نکرده است. در میان حزب کمونیست ایران در اوج شکوفایی فکری و سیاسی این حزب بر سر سوسیالیسم در یک کشور، بر سر علل انحطاط انقلاب کارگری در شوروی، بر سر ماهیت جنگ کومهله و دمکرات، بر سر تبیین جنگ ایران و عراق و نتایج بعد از پایان آن، بر سر بحث شورا و سندیکا و بسیاری بحث‌های دیگر همیشه اختلاف نظر بوده اما نهایتاً بحث شده و خطمشی سیاسی بر مبنایشان مشخص شده و به خط رسمی تبدیل شده و کسی هم نگران نبوده از اینکه مثلاً آن اختلاف سیاسی به چه چیزی منجر خواهد شد. مسئله این است که با این پدیده که طبیعی است چگونه برخورد می‌کنی و ممکن است در مرحله‌ای هم که به میان کنگره‌ای می‌آید یا در مرجعی تصمیم‌گیری اعضا در موضع انتخاب قرار بگیرند این به جای خود، اما به شیوه عادی و روتین حزبی چگونه با آن برخورد می‌کنی؟»

رفیق ابراهیم در اینجا ظاهراً از چگونگی شیوه درست برخورد به نظر مخالف صحبت می‌کند. در قسمت بعدی این نوشته به این موضوع پرداخته خواهد شد.

اما ایشان برای اینکه بتواند وجود دیدگاه‌ها و مواضع راست‌گرا و انحرافی امروز خود و جناح تحت رهبری‌اش را توجیه کند بخشی از تاریخ این تشکیلات را به عاریه گرفته و با تحریف و وارونه‌نمایی آن، موقعیت امروزی خود و جناحش را متصل به آن می‌داند. ایشان عین همین صحبت‌ها را سال گذشته در جریان بخشی از سخنرانی خود به مناسبت روز کومهله و طی اعلام فراخوانی خصوصاً برای پیوستن مجدد طیف بریده از کومهله یعنی آنهایی که با حزب کمونیست ایران و برنامه و استراتژی کمونیستی کومهله در کردستان مرزبندی دارند؛ بیان و آن را پشتوانه‌ای برای توجیه فراخوان مورد نظر خود نموده بود. (قبلاً طی نوشته‌ای با عنوان فراخوان به خودی‌ها برای پیوستن به صفوف کومهله که در آرشیو همین سایت نیز موجود است، از جمله به نقد این ادعا و فراخوان مربوطه ایشان هم پرداخته‌ام.)

در اینجا نیز بایستی به رفیق ابراهیم گفت که دوران مورد اشاره شما، قطعاً که دوران شکوفایی فکری و سیاسی حزب کمونیست ایران و کومهله به حساب می‌آید و این خود قبل از هر چیز نشان بارزی از پیروزی جریان مارکسیسم انقلابی در نقد تمامی مواضع و دیدگاه‌های انحرافی و غیرکارگری رایج در جنبش چپ و کمونیستی ایران و نیز در درون خود این تشکیلات بوده است. هیچ یک از مواردی که شما اینچنین از آنها به عنوان «اختلاف» در آن دوران نام برده‌اید، مانعی بر سر راه اتحاد و انسجام تام سیاسی و نظری و عملی در صفوف این حزب و رهبری آن و پیشبرد امورات مبارزاتی این حزب ایجاد نکرده‌اند.

خودتان هم خوب می‌دانید که در آن دوران هیچ یک از آن موارد به محملی برای تقویت افکار و نظرات راست‌روانه، غیرکارگری و غیرکمونیستی و چوب لای چرخ حزب گذاشتن تبدیل نشده است. اما در دوران حاضر چه؟

برای مثال اگر در دوران مورد اشاره شما، در مورد «تحقق سوسیالیسم در یک کشور»، در یک مورد اختلاف نظری وجود داشته و مباحث مکتوب بسیاری نیز پشتوانه روشنگری‌های لازم در این باره بوده است؛ این به تمامی از اختلاف نظر امروز شماری از رفقای همجناحی شما در رهبری کومه‌له مبنی بر اینکه «سوسیالیسم در یک کشور قابل تحقق نیست»، آسمان تا زمین فرق می‌کند. رفیقی که در آن دوران در این خصوص صاحب‌نظر بوده است به استناد اظهارات خود وی هیچگاه آن بحث را به مفهوم مطلق و یا مجزا از شرایط روسیه نپنداشته است. تمام آن بحث، و نکته‌ای که شما در این باره به عنوان اختلاف در آن دوران از آن نام می‌برید، در رابطه با «بررسی زمینه‌های انحراف و شکست انقلاب پرولتری در شوروی» بوده است و نه چیز دیگری. رفیق صاحب آن بحث عمیقاً به تحقق سوسیالیسم و اهداف و برنامه‌های سوسیالیستی در ایران معتقد بوده و برای آن مبارزه کرده است.

کسانی که امروزه در تشکیلات کومه‌له و حزب کمونیست ظاهرأ ژست صاحب‌نظر به خود گرفته‌اند و اظهار می‌دارند که امکان تحقق سوسیالیسم در یک کشور وجود ندارد، بدون اینکه کمترین توان دفاع و استدلالی را در این زمینه از خود نشان داده باشند و بتوانند حداقل توضیح و یا شرح مشخصی در این باره بدهند؛ اظهارات خود را نه در رابطه با بررسی انقلاب اکتبر و چگونگی پیشرفت «ساختمان سوسیالیسم» در شوروی، بلکه به طور عام در رابطه با عدم برقراری سوسیالیسم در یک کشور مطرح می‌کنند، و این خود نمایانگر عمق تردید و بی‌باوری امروز ایشان نسبت به امکان برقراری سوسیالیسم است. وقتی که بر عدم امکان برقراری سوسیالیسم در یک کشور تأکید می‌کنند، کشوری مثل ایران مد نظرشان است. بنابراین از تبعات چنین موضعی، همان گونه که بارها از ایشان دیده و شنیده‌ایم به زیر سؤال بردن سیاست‌های کلان حزب کمونیست و کومه‌له، و نیز تردید و بدبینی نسبت به آلترناتیو سوسیالیستی در ایران و تلاش‌های صورت گرفته برای شکل‌گیری و استحکام چنین آلترناتیوی و بی‌باوری علیه نیروهای چپ و کمونیست در سطح سراسری و منطقه‌ای است.

هدف از توضیحات بالا این است که نشان داده شود مقایسه‌ای که امروزه رفیق ابراهیم ظاهرأ برای توجیه وجود اختلاف نظر در این حزب با دوران گذشته و تاریخ این تشکیلات انجام می‌دهند کاملاً ناروا است. مواردی که رفیق ابراهیم از آن به عنوان اختلاف نظر در دوران حیات گذشته این حزب از آن یاد می‌کند، به تمامی از اختلافات سیاسی و نظری امروز که هر یک از آنها به تنهایی در مغایرت و تباین با برنامه و استراتژی سوسیالیستی کومه‌له و حزب کمونیست ایران قرار دارد، جداست و به هیچ روی نمی‌توان آنها را از یک جنس و یک هدف دانست. برای مثال هیچ یک از اختلاف نظرات دوران گذشته در حیات این حزب که رفیق ابراهیم به آن اشاره دارد، در راستای انحلال حزب کمونیست ایران، بی‌باوری به امکان برقراری سوسیالیسم و بدیل سوسیالیستی در ایران، بی‌باوری و تردید نسبت به استقرار حاکمیت شورایی در کردستان، مماشات و سکوت در مقابل سیاست و اعمال ضد مردمی احزاب و جریانات ناسیونالیستی و ارتجاعی در کردستان، معامله‌گری با احزاب ناسیونالیستی، پشت‌کردن به استراتژی سوسیالیستی کومه‌له در کردستان،... نبوده است! هر مورد اختلافی که در آن دوران در حیات سیاسی و تشکیلاتی این حزب وجود داشته باشد، هیچگاه به این منجر نشده است که دبیر اول کومه‌له و یا دیگر رفقای رهبری (در تضاد با برنامه و سیاست‌های کومه‌له در کردستان) در پشت تریبون رسمی کومه‌له از احزاب ناسیونالیستی بخواهند که برای اداره جامعه کردستان در دوره انتقالی-که خود سرآغاز حاکمیت احزاب در جامعه است-وارد دیالوگ و چانه‌زنی شوند(کاری که رفیق ابراهیم سال گذشته در مراسم روز کومه‌له به آن مبادرت نمود و در حال حاضر کومه‌له را هم در آن مسیر قرار داده است).

مواردی که رفیق ابراهیم در دوران گذشته حیات حزب مورد اشاره قرار می‌دهد، با توجه به مباحث و پلمیک‌های صورت گرفته در خصوص آنها، به نوبه خود مایه رشد و شکوفایی حزب بوده است. اما آیا ایشان می‌تواند نشان دهد که اختلافات امروز با آن رفتار و روش مخرب جاری از سوی صاحبان اختلاف(که خود یکی از آنان است)، موجب رشد و تقویت این تشکیلات و تأمین اهداف و سیاست‌های انقلابی و کارگری و کمونیستی و حفظ نیرو و یکپارچگی و انسجام در صفوف این تشکیلات خواهد بود؟!

۳ شهریور ۱۳۹۹

۲۴ آگوست ۲۰۲۰

رفیق ابراهیم عزیزاده در ادامه صحبت خود با رادیو «دیالوگ»، در مورد اختلاف سیاسی در تشکیلات کومه‌له و حزب کمونیست ایران به چگونگی شیوه برخورد به این پدیده می‌پردازد. ایشان می‌گوید:

«مسئله این است که با این پدیده که طبیعی است چگونه برخورد می‌کنی و ممکن است در مرحله‌ای هم که به میان کنگره‌ای می‌آید یا در مرجعی تصمیم‌گیری اعضا در موضع انتخاب قرار بگیرند این به جای خود، اما به شیوه عادی و روتین حزبی چگونه با آن برخورد می‌کنی؟ آیا با دیدن اولین نشانه‌های اختلاف سیاسی شروع می‌کنی به سرزنش کردنش؟ شروع می‌کنی به برچسب مشخص کردن برایش یا به استقبالش می‌روی، تشویقش می‌کنی یا برایش ابراز آمادگی می‌کنی؟ چنین می‌کنی یا برایش فشار می‌آوری، یا وی را در موقعیتی قرار می‌دهی که هنوز خودش پخته و آماده نیست و زودرس مجبور باشد دیدگاه و نظرش را به خامی مطرح کند؟ این دومی، یعنی رفتار غیردمکراتیک با اختلاف نظر سیاسی علت‌العلل بخش زیادی از اختلاف نه تنها در میان ما، بلکه در میان چپ ایران است. چنین تصور می‌شود یعنی انسان بعضی وقت‌ها چنین فکر می‌کند که روح دیکتاتوری و سرکوبگری رژیم‌های حاکم در کشورهای عقب‌مانده‌ای مانند کشور ما در دل اپوزیسیون هم حلول کرده و آنها را هم به نسبت یکدیگر نامکرات بار آورده است. وقتی با همدیگر صحبت می‌کنند، وقتی با مخالفی سیاسی در درون حزب خود صحبت می‌کنند فرقی نمی‌گذارند بین زبان صحبت‌شان با مخالف درون حزب خودشان یا مخالفی در حزب چپ پهلو دستی‌شان با دشمن روبروشان. وقتی صحبت می‌کنند بر علیه اپوزیسیون هدف‌شان این نیست که صفوف این اپوزیسیون را قانع کنند به اشتباهی که کرده‌اند، برگردند، هدف‌شان این است که دل خود را خنک بکنند، ایدئولوژی خود را حدادی بکنند، خود را به اصطلاح تهییج بکنند. این یکی از دلایل اصلی پیدا شدن مشکل در میان احزاب سیاسی و در میان حزب ما این است که رفتار غیردمکراتیک نشان داده می‌شود در برابر دیدگاه مختلف، اگر نه اختلاف سیاسی خُب اگر هست عادی است اگر هم زیاد جدی بشود به مرکز تصمیم‌گیری می‌آید. این است که علاوه بر وجود مشکلاتی که شما اشاره کردید پدیده‌ای در میان ما مشاهده می‌شود که ظاهراً عجیب به نظر می‌رسد آخرین کنگره‌ای که گرفته شده است در آن همه قرار و قطعنامه‌ها قریب به اتفاق آرا مورد پسند قرار گرفته است یا هیچ آلترناتیوی برایشان نبوده یعنی کسی آلترناتیوی در برابر آنها آورده باشد در همه زمینه‌ها، مثلاً در جنجالی‌ترین‌شان در آخرین کنگره ما که به اصطلاح عبارت است از ارتباط با احزاب سیاسی کسی نیامده پلانفرم یا نقشه‌عمل متفاوتی آورده باشد، که در آنجا با جزئیات به شرط و شروط پرداخته شده است. در همه زمینه‌های دیگر همین‌طور، در اوضاع سیاسی، جنبش کارگری و مسائل دیگر در کردستان و خارج از کردستان. بنابراین مسئله در میان ما این نیست که اختلاف سیاسی وجود ندارد، اگر بگوییم اختلاف سیاسی نیست مثل این است که بگوییم ماست سیاه است، نه در میان ما بلکه در میان هر حزب سیاسی دیگر هم، نه در امروزش بلکه برای همیشه‌اش، نمی‌تواند وجود نداشته باشد، مگر اینکه حزب نباشد، فرقه‌ای باشد، حزب سیاسی جدی‌ای نباشد در آن صورت بله می‌توان گفت پشت به پشت هم داده‌اند و در راه ایدئولوژی یا منفعتی مغز همه‌شان قالب‌بندی شده است. در میان ما معلوم است که انشعاباتی روی داده است، انشعاباتی که روی داده هیچ کدامشان در نتیجه اختلاف سیاسی ساده نبودند، همه‌شان در نتیجه معنی کردن آن اختلاف سیاسی در پراتیکی مشخص که در کنگره یا پلنومی به تصویب رسیده‌اند مطرح شده‌اند. بنابراین به نظر من جوهر مسئله‌ای که در میان ما روی داده به آن رفتار غیردمکراتیکی برمی‌گردد که مختص ما هم نیست. نبودن دیالوگ علمی، خیلی مهم است، پایین بودن سطح تفاهم و دانش، کاری می‌کند که خلاء این کمبود با برچسب حاضر و آماده و قالبی پر شود، کاری می‌کند که اختلاف سیاسی به تدریج بیان شخصی پیدا بکند، جای این ناتوانی از دانش و استدلال و منطق با زبان زبر پر می‌شود. زبان زبر در دیالوگ که علمی هم نبود آن وقت رفاقت را هم به هم می‌زند. این به نظر من در واقع جوهر آن مسئله است برای ما. در میان آن رفقایی که خودشان را به جهت متفاوتی می‌شناسانند تا اکنون یک صفحه‌آچار در هیچ کنگره و در آخرین پلنوم هم بر سر تفاوت‌هایشان که نشان دهد آنها خط دیگری هستند در مقایسه با خط دیگر، نیست. آنچه هست فقط برچسب چپ و راست و ناسیونالیسم و سوسیالیسم و مجموعه‌ای کلمات است که با آن بازی می‌شود، و مجموعه‌ای گلابیه و شکوه است، ممکن است انتقاد باشد، مجموعه‌ای ملاحظه، کسی کاری می‌کند تو ملاحظه‌ای بر آن داری، کسی حرفی می‌زند تو در میان حرف‌هایش ایرادی پیدا می‌کنی. اینها نمی‌تواند مبنای ایجاد دو دستگی در میان حزبی سیاسی باشد. انسان که کار بکند اشتباه هم می‌کند، حرف که بزند ممکن است حرف زیادتری از حد خودش هم بزند» (تاکید از من است)

هر کسی که این بخش از سخنان رفیق ابراهیم را می‌شنود یا که می‌خواند، قبل از اینکه به سطور پایانی آن برسد، نتیجه می‌گیرد که «کسانی در این تشکیلات نظر متفاوتی پیدا کرده‌اند، در مقابل از سوی کسان دیگری به شیوه ناشایست و غیردمکراتیک با

آنها برخورد می‌شود، اینها که قاعداً می‌بایست اکثریت تشکیلات هم باشند به آن اقلیتی که نظر مخالف پیدا کرده‌اند مثلاً برچسب زده‌اند و به ایشان فشار آورده و در موقعیتی قرار داده‌اند که به طور زودرس مجبور باشند نظرانشان را که هنوز پخته و آماده نکرده‌اند، مطرح کنند.»

اما وقتی که به چند سطر پایانی این بخش از سخنان رفیق ابراهیم می‌رسیم، تناقض بزرگی دیده می‌شود که بسیار زنده است (سطوری که در بالا خط تأکید دارند). چگونه کسانی می‌توانند باشند که هم نسبت به نظرات مخالف برخورد ناشایست و غیردمکراتیک داشته‌اند و هم تا بحال یک صفحه‌آچار در مورد نظرات متفاوت خود نوشته باشند؟!

قاعداً کسانی باید نظر خود را به روی کاغذ بیاورند که با سیاست‌های رسمی کومه‌له و حزب کمونیست تفاوت پیدا کرده‌اند، نه آنهایی که به قول رفیق ابراهیم در جهت حدادی کردن ایدئولوژی خود که همان ایدئولوژی و سیاست رسمی است و قاعداً هم باید اکثریت باشند، آنها را مورد برخورد غیردمکراتیک خود قرار داده‌اند.

هنگامی که بخش دیگری از صحبت‌های رفیق ابراهیم که در ادامه مصاحبه‌اش بیان کرده‌اند را می‌شنویم (می‌خوانیم) عمق وارونه‌نمایی و دروغ‌پردازی انجام شده توسط ایشان در قبال وجود اختلاف در این تشکیلات به خوبی نمایان می‌شود. رفیق ابراهیم در ادامه و در جواب به سؤال مجری برنامه در مورد احتمال انشعاب در حزب و عوارض آن می‌گوید:

«اکثریت این حزب در جای خود مانده است، اکثریت این حزب با کومه‌له هم، بر سر برنامه، استراتژی، سیاست، آخرین مصوبات پلنوم و کنگره‌هایش پیگیر و پایدار است و بنابراین قاعداً آن رفقای ما هم آنقدر تجربه و احساس مسئولیت هم دارند که قدم در راه امتحان شده‌ای نگذارند که نتیجه‌ای غیر از افول و شکست برایشان در بر نخواهد داشت. بله، به کل جریان ما ضرر می‌رساند اما برای آنها هم در موقعیتی که در آن قرار دارند، بدون خطی روشن، بدون اکثریتی در تشکیلات، بدون ظرفیت‌هایی برای انشعاب کردن از بین خواهند رفت قاعداً نباید دست به چنین کاری بزنند.»

بایستی به رفیق ابراهیم گفت اگر به قول شما اکثریت این حزب در جای خود مانده است و نسبت به سیاست و برنامه رسمی هم پیگیر و وفادار است و آنها را هم رعایت می‌کند، پس چه کسانی آن برخوردهای «ناشایست» و غیردمکراتیک» را (که در چند سطر قبل بیان کردید) به کسانی که نظر مخالف پیدا کرده‌اند، روا داشته‌اند؟! چند سطر قبل می‌گویید کسانی که نظر مخالف دارند، یک صفحه‌کاغذ در مورد تفاوت‌هایشان نوشته‌اند، سپس می‌گویید اگر انشعاب کنند شکست می‌خورند. پس کسانی که برخوردهای غیردمکراتیک در قبال اینها داشته‌اند کیانند؟ پس معلوم می‌شود که خودتان و جناح‌تان هستید که چنین رفتارهایی انجام داده‌اید چون که جمعیت و جناح دیگری در این تشکیلات وجود ندارد.

تناقض، وارونه‌نمایی و دروغ‌پردازی از این آشکارتر!

مگر این که رفیق ابراهیم ادعا کند اینها که نظر مخالف پیدا کرده‌اند، خودشان علیه خودشان رفتار غیردمکراتیک داشته‌اند و خودشان علیه خودشان زبان زیر بکار برده‌اند، ما نبوده‌ایم و همه این رفتارهای زشت و بد، کار خودشان است؟!

چنین تناقض و وارونه‌نمایی از زبان رفیق ابراهیم، به خوبی به همگان و به جامعه نشان داد کسانی که در جریان اختلافات جاری در تشکیلات کومه‌له و حزب کمونیست ایران رفتارهای زشت و غیردمکراتیک متوسل شده‌اند همانا خود ایشان و جناح راست تحت رهبری‌اش در این تشکیلات بوده است. وارونه‌نمایی و دروغ‌پردازی همواره یکی از ارکان اصلی رفتار جناح راست در این تشکیلات علیه رفقای که در مقابل آنها موضع داشته و به نقدشان پرداخته‌اند، بوده است.

هنگامی که چنین ویژگی‌های مضمومی در اظهاراتی دیده می‌شود، کل صحبت‌های مربوطه هم از اعتبار ساقط می‌شود.

«رفتار غیردمکراتیک می‌کنند، چیزی در مورد اختلافاتشان نوشته‌اند، اگر انشعاب کنند شکست می‌خورند.» این است توضیح رهبری امروز کومه‌له برای جامعه‌گردستان در مورد سرنوشت مهم و حساس این تشکیلات.

رفیق ابراهیم در روز روشن و در مقابل دیدگان این تشکیلات و سایرین، بدون هیچ تعمق و ملاحظه‌ای به تحریف روی آورده و در صحبت‌های خود جای هر دو طرف درگیر در این تشکیلات حول «اختلاف» را عوض می‌کند. طوری که برای شماری از هم‌جناحی‌های خودش هم تعجب‌آور و خنده‌دار است. خودشان همراه با دیگر رفقای رهبری امروز کومه‌له نظراتی مخالف با برنامه و استراتژی سیاسی کومه‌له و حزب کمونیست پیدا کرده‌اند و در مقابل از سوی سایر رفقا یعنی مدافعین خط رسمی به

رهبری رفیق صلاح مازوجی مورد نقد قرار گرفته‌اند. روشن است کسانی که باید نظر متفاوت خود را بر روی کاغذ بیاورند، همانا رفیق ابراهیم و همفکرانش هستند نه جناح مقابل.

رفیق ابراهیم در هر دو بخش مصاحبه‌اش با رادیو دیالوگ در مورد اختلاف سیاسی در تشکیلات، هیچ گونه اشاره‌ای به طرف‌های درگیر و یا مشخصات و مؤلفه‌های این اختلاف سیاسی نمی‌کند. ایشان آگاهانه و به روال رفتار چند سال اخیر خود با تمرکز بر، به زعم خودشان شیوه برخورد به اختلاف، طوری در این باره صحبت می‌کنند که کسی از ماهیت این اختلاف و موارد آن مطلع نشود. چراکه خود ایشان و همفکرانش در رهبری امروز کومه‌له، مواضع و دیدگاه‌هایی مغایر و متضاد با برنامه و استراتژی سیاسی کومه‌له و حزب کمونیست پیدا کرده‌اند که در حال حاضر به مصلحت خود نمی‌دانند که نظراتشان را به طور کامل و شفاف با تشکیلات و با جامعه در میان بگذارند، اینان به خوبی می‌دانند که در صورت انجام چنین عملی با نام کومه‌له و حزب کمونیست ایران، با چه موج وسیع انتقاد و بیزاری و محکومیت از هر سو مواجه می‌شوند.

واقعاً که در طول این مصاحبه رفیق ابراهیم با خلط مبحث، تمام تلاشش این بود که با وارونه‌نمایی‌های خاص خود، «اختلاف بر سر چگونه رفتار کردن با یکدیگر» را به جای «اختلاف بر سر دیدگاه و موضع سیاسی» بنشاند. در طول هر دو مصاحبه، ایشان معلوم نکردند که بالأخره اختلاف سیاسی بر سر چیست؟ خودشان در کجای این تصویر قرار گرفته‌اند؟ در این باره، آیا چهره «مسیح‌گونه» و «فرشته دوستی و صلحی» که از خود القا می‌کند قابل قبول است یا اینکه خیر به عنوان «پای اصلی اختلاف» خصوصاً با تأمل بر یک چنین اظهارات متناقض و وارونه‌ای توسط ایشان آنهم به عنوان دبیر اول یک تشکیلات!

وقتی که اینان در مورد وجود اختلاف سیاسی، چنین رویکرد ناسالمی اتخاذ می‌کنند، معلوم است که در مواجهه با هر گونه نقد این روش ناسالم و نقد و آگاهگری در مورد مواضع و دیدگاه‌های راست‌روانه‌شان، به چه اعمال شنیع و نارقیانه‌ای متوسل می‌شوند. موعظه «برخورد دمکراتیک»، پوششی است برای تحریفات که باید به انجام برسانند.

در بخش دوم گفتگوی رادیو دیالوگ با رفیق ابراهیم عزیز، مجری برنامه می‌گوید که «در گفتگوی قبلی، در مورد اختلاف چیزی روشن نشد غیر اینکه اشاره به اکثریت و اقلیت.» ایشان از وی می‌پرسد: «اختلاف سیاسی دقیقاً بر سر چیست؟»

رفیق ابراهیم در این‌جا نیز مجدداً طفره می‌رود و از جواب صریح سر باز می‌زند، ایشان در ابتدای پاسخ به این سؤال می‌گوید:

«چیزی که واقعی و قابل مشاهده است این است که اختلاف واقعی است، اما دو توضیح وجود دارد درباره اینکه دلیل این اختلاف چیست. یکی این است که دلیل را بر وجود اختلاف سیاسی می‌دانند و در شکل افراطی آن هم از دیدگاه خودش تشکیلات را به میل چپ و میل راست تقسیم می‌کند. سؤال این است که آیا اختلاف سیاسی هست یا نه؟ جواب من این است که بله هست، آیا چیزی در آن باره نوشته شده یا نه؟ بله نوشته شده است، آیا در آن باره مصاحبه و گفتگوی تلویزیونی و رادیویی نظیر آن انجام شده است؟ بله همه این کارها انجام شده است اما همه اینها از دیدگاه من بسیار طبیعی هستند، اینها شرط وجود حزبی سیاسی هستند. چیزی که گفتم انجام نشده است این است که این بحث‌ها، این به نام اختلاف سیاسی به مرجع تصمیم‌گیری نیامده است تشکیلات در مقابل دو عمل متفاوت در مقابل این و یا آن نظر قرار نگرفته است و این باید در کنگره، در پلنوم، در مراجع رسمی حزبی به میان بیاید وگرنه، اگر رفیقی در زمینه‌ای نظری دارد این نه تنها خراب نیست بلکه باید از آن پیشوازی کرد.» (تأکید از من است)

واقعاً اگر کسی به خوبی از بحران جاری در این تشکیلات مطلع نباشد، سر از حرف‌های رفیق ابراهیم در نمی‌آورد. بسیار متناقض صحبت کرده‌اند و این جای بسی تأسف و نگرانی است برای رفیقی که در جایگاه دبیر اول کومه‌له باشد.

با توجه به تصویر وارونه‌ای که رفیق ابراهیم ارائه نموده و شرح آن در بالاتر آمده است یعنی «رفتار غیردمکراتیک می‌کنند، چیزی در مورد اختلافاتشان نوشته‌اند، اگر انشعاب کنند شکست می‌خورند»؛ همین که در نقل قول فوق ایشان از وجود «نوشته» و «مصاحبه» صحبت می‌کند (و اگر این را از ایشان بپذیریم)، باز هم به اصطلاح «دم خروس» دیگری محسوب می‌شود دال بر اینکه این، خود وی و همفکرانش هستند که نظرات مخالف با سیاست و برنامه کومه‌له و حزب کمونیست پیدا کرده‌اند نه طرف مقابل. چرا که همه می‌دانند که اگر نوشته‌ای در مورد اختلاف با برنامه و یا سیاست کومه‌له و یا اختلاف بر سر موجودیت حزب کمونیست ایران وجود داشته باشد، دو مورد نوشته‌ای است که سال‌ها قبل توسط رفیق جمال بزرگپور عضو کمیته مرکزی کومه‌له در میان اعضا انتشار یافت و همان موقع از جانب رفیق صلاح مازوجی و سایر رفقا مورد نقد قرار گرفت. اگر مصاحبه تلویزیونی هم صورت گرفته باشد، از جمله توسط رفیق جمال بود که آنهم در واقع، نه برای بیان اختلافات خود، بلکه سال گذشته و بعد از علنی شدن مباحث انتقادی علیه جناح راست، مجبور شد توضیحات کوتاه و مبهم و سروته بریده‌ای از آن نظرات

خود را بیان نماید. ایشان هم به جای اینکه به صراحت به طرح نظرات خود بپردازند، مانند رفیق ابراهیم به اصطلاح به آموزش چگونگی شیوه برخورد به نظر مخالف پرداختند و سپس گفتند نظرات خود را روی ناچه گذاشته‌اند. بنابراین آنطور که رفیق ابراهیم می‌گوید که همه این کارها (نوشته‌ها و مصاحبه‌ها) انجام شده است، عاری از حقیقت است.

همانطور که در بالاتر هم آمده است، رفیق ابراهیم در صحبت‌های خود می‌گوید:

«رفتار غیردمکراتیک با اختلاف نظر سیاسی علت‌العلل بخش زیادی از اختلاف نه تنها در میان ما، بلکه در میان چپ ایران است. چنین تصور می‌شود یعنی انسان بعضی وقت‌ها چنین فکر می‌کند که روح دیکتاتوری و سرکوبگری رژیم‌های حاکم در کشورهای عقب‌مانده‌ای مانند کشور ما در دل اپوزیسیون هم حلول کرده و آنها را هم به نسبت یکدیگر نادمکرات بار آورده است.»

قبلاً هم توضیح داده‌ام که رفیق ابراهیم و جناح تحت رهبری‌اش در این تشکیلات برای لاپوشانی دیدگاه‌ها و مواضع راست‌ورانه و انحلال‌طلبانه امروزی‌شان، با توسل به «متد انکار و کتمان» در مواجهه با منتقدین خود از جمله به فرافکنی متوسل می‌شوند. طی سال‌های اخیر رفیق ابراهیم به طور افراطی آنقدر به اصطلاح رفتار غیردمکراتیک با نظر مخالف را به کل جنبش چپ و کمونیستی ایران نسبت داده که اگر کسی متوجه نباشد می‌پندارد که خود ایشان و جناح تحت رهبری‌اش میرا از هر گونه رفتار غیردمکراتیک هستند. اگر ایشان می‌پندارد که روح دیکتاتوری و سرکوبگری رژیم‌های حاکم در دل اپوزیسیون (ما هم بخشی از این اپوزیسیون هستیم)، حلول کرده است، این روح دیکتاتوری و سرکوب نه در دل اعضا و پیشمرگان، بلکه قاعدتاً بایستی در دل رهبران حلول کرده باشد. در ضمن اگر روح دیکتاتوری و سرکوبی هم در دل این تشکیلات حلول کرده باشد، در واقع در دل رفیق ابراهیم و دیگر هم‌فکرانش حلول کرده است که در قسمت‌های بعدی این نوشته به آن خواهیم پرداخت.

۴ شهریور ۱۳۹۹

۲۵ آگوست ۲۰۲۰

در قسمت قبلی این نوشته به وارونه‌نمایی و تحریفی که رفیق ابراهیم علیزاده طی مصاحبه خود با رادیو «دیالوگ» در خصوص «اختلاف سیاسی» در تشکیلات کومه‌له و حزب کمونیست ایران به آن متوسل شده‌اند، پرداخته شد. آنطور که نشان داده شد ایشان طی دو مرحله مصاحبه با رادیو دیالوگ به هیچ عنوان اشاره مشخصی به موارد اختلاف نکرده و به این ترتیب به روال گذشته این موارد را پنهان نمود.

آنطور که در قسمت قبل توضیح داده شد رفیق ابراهیم در صحبت‌های خود جای هر دو طرف درگیر در این تشکیلات حول «اختلاف» را عوض می‌کند. خودشان همراه با دیگر رفقای رهبری امروز کومه‌له نظراتی مخالف با برنامه و استراتژی سیاسی کومه‌له و حزب کمونیست پیدا کرده‌اند و هنگامی هم که از سوی دیگر رفقا با صراحت مورد نقد قرار می‌گیرند، فریاد وادمکراسی سر داده و به دیگران می‌گویند که «دارند ذره‌بین بر روی مغزمان می‌گذارند، گرایش‌تراشی می‌کنند، رفتار غیردمکراتیک می‌کنند،...!» سپس ادعا می‌کند که خط روشنی هم ندارند.

رفیق ابراهیم در حالی چنین ادعایی دارد، که خود ایشان بهتر از هر کس دیگری می‌داند که این رفقا همان خط برنامه و استراتژی انقلابی و کمونیستی کومه‌له و حزب کمونیست را نمایندگی می‌کنند، خود ایشان بهتر از هر کس دیگری می‌داند که بخشی از اسناد و گزارشات حزبی مصوب در کنگره‌ها و پلنوم‌ها که تقریباً طی ۳۰ سال گذشته به خط و جهت کومه‌له و حزب کمونیست تبدیل شده‌اند را رفیق صلاح مازوجی نوشته‌اند. البته که این خود، محصولی متعلق به کل حزب محسوب می‌شود، ولی هنگامی که با یک چنین وارونه‌نمایی و تحریفی روبرو می‌شود، بایستی به ناچار آن را جلو چشم‌ها گرفت. هم اینک از مجموع ۶ مورد «سخن روز» که روزانه از تلویزیون و دیگر ارگان‌های تبلیغی کومه‌له و حزب کمونیست به عنوان خط، تحلیل، و مواضع سیاسی این جریان انتشار می‌یابد، ۴ مورد آن را رفیق صلاح به همراه دو تن دیگر از رفقای که این چنین به بی‌خطی منتسب می‌شوند، می‌نویسند. اگر ادعای بی‌خطی در مورد چنین رفقای را از سوی رفیق ابراهیم بپذیریم، به طریق اولی خود ایشان از همه بی‌خط‌تر محسوب می‌شود.

قبل از پرداختن به آنچه که رفیق ابراهیم از آن به عنوان رفتار غیردمکراتیک نام می‌برد، به این مسئله بپردازیم که چه کسی در این تشکیلات نظر مخالف پیدا کرده و چه کسی باید به قول ایشان نظر مخالف خود را بر روی یک برگ «کاغذ آچار» بیاورد.

در این باره بایستی گفت که این خود رفیق ابراهیم و رفقای هم‌فکرش در رهبری امروز کومه‌له هستند که با تجدینظر در دیدگاه‌ها و مبانی فکری و سیاسی و مواضع انقلابی و کمونیستی کومه‌له، در حال حاضر مجموعه‌ای از نظرات، مواضع و عملکردهای مغایر و متضاد با مصوبات رسمی و برنامه و استراتژی سیاسی کومه‌له و حزب کمونیست ایران را نمایندگی می‌کنند که می‌باید همه آنها را که در واقع اختلاف سیاسی به شمار می‌آیند به روی کاغذ بیاورند.

به عنوان مثال:

- ایشان هستند که بایستی دیدگاه‌ها و مواضع سیاسی امروزی خود مبنی بر تلاش برای کسب توافق استراتژیک با احزاب ناسیونالیست به منظور اداره امور کردستان توسط آنان در دوره گذار پس از جمهوری اسلامی که در اصل زمینه‌ساز حاکمیت احزاب در کردستان است و در سخنرانی رسمی‌شان در مراسم اخیر روز کومه‌له (برگزار شده در مقر مرکزی) اعلام می‌شود را به روی کاغذ بیاورند. در حالیکه برنامه کومه‌له، بر اصل استقرار فوری و بلافاصله شوراها در جامعه کردستان و حاکمیت و اداره امور (در هر دوره‌ای) به دست این شوراها استوار است، نه تسلط و حاکمیت احزاب.

- ایشان هستند که بایستی دیدگاه‌ها و مواضع سیاسی امروزی خود مبنی بر عدم به رسمیت‌شناسی موانع ناظر بر امر اتحادهای پایدار و استراتژیک با احزاب بورژوا ناسیونالیست که کاملاً با مصوبات کنگره‌های کومه‌له در تضاد است و در سخنرانی رسمی این رهبری در مراسم روز کومه‌له در سال ۲۰۱۸ (برگزار شده در مقر مرکزی) اعلام می‌شود را به روی کاغذ بیاورند. رفیق حسن رحمانپناه به نمایندگی از رفقای رهبری در جریان سخنرانی مزبور، در رابطه با عدم شرکت کومه‌له در «مرکز همکاری احزاب کردستان ایران» که خود موضوعی است در چهارچوب «اتحاد عمل‌های پایدار و استراتژیک» با این احزاب؛ گفتند که عدم شرکت کومه‌له در آن مرکز به دلیل وجود اختلافات استراتژیک کومه‌له با آن احزاب و جریانات نیست.

ایشان ضمن توضیحات نابجایی در این باره، مشکلاتی چون عدم هماهنگی و آماده‌کاری‌های لازم از سوی احزاب برای تشکیل چنین مرکزی را به عنوان دلیل عدم شرکت کومه‌له در آن دانستند. یعنی از نظر ایشان و رفقای هم‌فکرش در رهبری کومه‌له چنانچه آماده‌کاری‌های لازم مدنظر ایشان تأمین می‌بود، ایشان نیز خود را در کنار دیگر احزاب ناسیونالیست در مرکز همکاری می‌دیدند.

• ایشان هستند که بایستی مواضع و عملکردهای امروز خود مبنی بر سکوت، سازش، ماشاات و تسلیم‌طلبی در قبال سیاست و اعمال ضد مردمی احزاب ارتجاعی و ناسیونالیستی که در تضاد و مغایرت با استراتژی سوسیالیستی کومه‌له در کردستان می‌باشد را به روی کاغذ بیاورند. یکی از ارکان اصلی سند مصوب استراتژی کومه‌له در کردستان «تلاش بی وقفه برای جدایی توده‌های کارگر و زحمتکش از استراتژی، افق، آرمان‌ها و سیاست‌های احزاب بورژوایی در کردستان، تقویت گرایش و افق سوسیالیستی در تقابل با افق ناسیونالیستی در مقیاس اجتماعی» است. همین رکن، در سند مصوب برنامه کومه‌له برای حاکمیت مردم در کردستان، به عنوان یکی از «ملزومات اصلی تحقق این برنامه» و «شرط لازم پیشروی جنبش انقلابی مردم کردستان» مورد تأکید قرار گرفته است. اما این رفقا امروزه با پشت کردن به این همه سند مصوب کومه‌له، رکن بکارگیری «زبان نرم» و استراتژی «سکوت و انفعال» را جایگزین این بخش از استراتژی انقلابی کومه‌له در کردستان نموده‌اند. در این راستا، در همان سخنرانی رسمی خود در سال ۲۰۱۸ اعلام می‌کنند که «کومه‌له خواهان بکارگیری زبان نرم در قبال تمامی نیروهای اپوزیسیون جمهوری اسلامی است». این یعنی تسلیم‌طلبی آشکار در مقابل ارتجاع و ناسیونالیسم در کردستان، همان آرزوی دیرین حزب دمکرات که با سال‌ها جنگ علیه کومه‌له نتوانست آن را به کومه‌له تحمیل نماید و زبان کومه‌له را به زعم خود «کوتاه» کند!

رفیق ابراهیم و رهبری امروز کومه‌له چنانچه به هر دلیل خواهان بکارگیری زبان نرم در قبال احزاب اپوزیسیون هستند، ابتدا بایستی در چند صفحه کاغذ به نقد «زبرزبانی»های گذشته کومه‌له در همه عرصه‌های مبارزه و رویارویی با ارتجاع و ناسیونالیسم در کردستان پرداخته و آن تجارب و رویکردهای مبتنی بر زبرزبانی را همچو اظهارات و مواضع امروز خود، «تقیح» و از آنان «تبری» جویند. در غیر اینصورت نمی‌توان به گذشته پر از مقاومت و قاطعیت کومه‌له و به عبارت دیگر به «زبان‌درازی و زبرزبانی»های گذشته آن افتخار کرد، اما امروز در عمل، همان رویکردهای «زبرزبانی» را تقبیح و رفقا را به خاطر آن سرزنش نمود و کومه‌له را از بکارگیری آن منع کرد. بسیار روشن است که اتخاذ زبان نرم که معنای عملی آن چیزی جز سکوت و بی‌زبانی نیست، به طور مستقیم به افسارگسیختگی احزاب، حاکمیت احزاب، مشروعیت به بکارگیری اسلحه از سوی احزاب در مقابل هر صدای مخالف و منتقد، و در یک کلام به تروریسم در جامعه منجر خواهد شد.

در قیاس با قاطعیت و سرسختی‌های تاریخی کومه‌له در دفاع از کمونیسم و منافع کارگران و زحمتکشان، امروزه استعاراتی چون «بکارگیری زبان نرم»، «امروزی برخورد کردن»، «پرهیز از برخورد ایدئولوژیک»، «علمی برخورد کردن»، و ... که به ورد زبان رفیق ابراهیم و دیگر هم‌جناحی‌های او تبدیل شده‌اند؛ همگی در اصل اسم رمز دوری از کمونیسم و انقلابی‌گری، چرخش به راست و در غلطیدن به ورطه سوسیال‌دمکراسی است. بی‌دلیل نیست که این رفقا در عین حال که اینچنین به مروج و تئورسین زبان نرم تبدیل شده‌اند، همه نرمی و لطافت خود را به احزاب راست و بورژوا ناسیونالیست و ارتجاعی می‌ذول داشته و در مقابل، هر چه زبری و خشونت در چپته دارند، نثار احزاب چپ و کمونیست و جناح چپ منتقد خود در تشکیلات می‌نمایند. پس ایشان هستند که باید در مورد این رویکردهای نخنما و متناقض خود هم چند صفحه‌ای بنویسند.

• ایشان هستند که بایستی نظر خود مبنی بر بکارگیری احتیاط در تبلیغ و ترویج بدیل سوسیالیستی در جامعه که «مبادا نزد مردم تجارب روسیه یا چین تداعی شود»، موکول کردن سوسیالیسم به آینده‌ای دست‌نیافتنی، بی‌باوری به تحقق بدیل سوسیالیستی در ایران از زاویه بی‌باوری و نفرت‌پرانی علیه احزاب و نیروهای چپ و کمونیستی ایران، بی‌باوری نسبت به امکان تحقق سوسیالیسم در یک کشور، غیر عملی‌دانستن سازماندهی اقتصاد سوسیالیستی در ایران، بی‌باوری و تردید نسبت به تحقق حاکمیت شورایی در کردستان؛ را به روی کاغذ بیاورند.

• ایشان هستند که بایستی مواضع و عملکرد مغایر خود با سیاست رسمی حزب کمونیست و مصوبات کنگره‌های کومه‌له و حزب مبنی بر تلاش برای ایجاد قطب چپ و سوسیالیستی و اتخاذ امر همکاری و اتحاد عمل میان احزاب و نیروهای چپ و کمونیستی را به روی کاغذ بیاورند، هنگامی که امروزه با عقیم دانستن و بی‌باوری‌های خود به امر همکاری میان احزاب چپ و کمونیست و آن طور که رفیق ابراهیم آن را «خود را دنبال نخود سیاه فرستادن» نامیده است، به روی کاغذ بیاورند و بگویند که چرا در ظاهر ژست مدافع اتحاد عمل میان این احزاب را به خود می‌گیرند، اما در عمل شدیداً به تخریب همکاری‌های صورت گرفته و نیز سلب اعتبار از آنان می‌پردازند.

• ایشان هستند که بایستی دلایل آن همه پرداختن‌شان به طبقه متوسط جامعه در روند تحولات امروز و آینده ایران را به روی کاغذ بیاورند. آنچنان شیفته این طبقه شده‌اند که اظهار می‌دارند در کردستان طبقه متوسط و طبقات بالا از لحاظ تعداد و جمعیت از طبقه کارگر بیشترند و توازن طبقاتی به لحاظ جمعیت در این جامعه به نفع طبقه کارگر نیست!

• ایشان هستند که بایستی دلایل به زیر پا نهادن قطعنامه مصوب کنگره دهم کومه‌له مبنی بر محکومیت استفاده از نام کومه‌له برای سازمان موسوم به زحمتکشان را به روی کاغذ بیاورند. با وجود این سند مصوب کنگره، نام کومه‌له زحمتکشان را برای این جریان به کار می‌برند و با این کار خود عملاً به تمامی تلاش و مقاومت‌های صورت گرفته در طی ۲۰ سال گذشته در برابر این جریان در راستای حفاظت از ارزش‌ها و آرمان‌های کمونیستی کومه‌له و مصالح و منافع مردم کارگر و زحمتکش، دهن‌کجی می‌کنند.

• ایشان هستند که بایستی مطابقت و اشتراک نظر سیاسی امروز خود با جریان موسوم به فراکسیون فعالیت تحت عنوان کومه‌له که از جمله خواهان انحلال حزب کمونیست ایران بوده و حدود ۱۲ سال قبل از این تشکیلات جدا شده‌اند را به روی کاغذ بیاورند. ایشان هستند که بایستی در راستای ندامت‌گویی‌های امروز خود مبنی بر اینکه ۱۲ سال قبل در قبال این جریان مرتکب تصمیم و برخورد اشتباه شده‌اند را به روی کاغذ آورده و به نقد تصمیمات و اسناد مکتوب کنگره و پلنوم‌های کومه‌له و حزب در این باره بپردازند. ایشان هستند که بایستی دلایل فراخوان امروزی خود به طیف بریده از کومه‌له یعنی آنهایی که تحت عنوان مخالفت با حزب کمونیست ایران، حداکثر از ۲۰ سال قبل راه خود را در راستای مخالفت با برنامه و استراتژی کمونیستی کومه‌له از این تشکیلات جدا کردند را به روی کاغذ بیاورند.

• ایشان هستند که بایستی دلایل مخالفت عملی خود را با سند مصوب «تحکیم حزبیت»، در پیش گرفتن روند تضعیف حزب و به عبارت دیگر روی تاقچه نبودن برنامه انحلال حزب کمونیست را به روی کاغذ بیاورند.

• این رفقا هستند که بایستی دلایل مخالفت خود در قبال بکارگیری عبارت «اسلام سیاسی» در ادبیات کومه‌له و حزب کمونیست را به طور مکتوب ارائه دهند، هنگامی خیلی کوتاه اظهار می‌دارند «عبارت اسلام سیاسی، نادرست و بی‌معناست، اسلام سیاسی و غیر سیاسی وجود ندارد، همه‌اش یکی است». با یک چنین موضعی، شعار مهم کمونیست‌ها یعنی «جدایی مذهب از دولت» نیز بی‌معنا خواهد بود.

رفیق ابراهیم علیزاده و جناحش در رهبری امروز کومه‌له برای ابراز همه این نمونه نظرات و مواضع انحرافی و راست‌روانه‌شان، روش شفاهی را برگزیده‌اند و تاکنون به طور مکتوب یک صفحه نوشته در این باره انتشار نداده‌اند. ایشان هر از گاهی گوشه‌ای از آن مواضع و نظرات خود را روبه بیرون و در قالب مصاحبه و گفتگوهای رادیویی و تلویزیونی و یا سخنرانی‌هایی در اینجا و آنجا بیان می‌دارند و همچنانکه تا به حال و به کرات شاهد بوده‌ایم، این خود برای آنها شگردی است که بتوانند در صورت مواجهه با هرگونه نقدی، به تفسیر و تعبیر و یا توجیه اظهارات شفاهی خود بپردازند و به منتقدین خود بگویند که «حسن نیت ندارید، از حرف‌های ما برداشت خراب کرده‌اید، وگرنه منظور ما این نیست که شما برداشت کرده‌اید».

(البته رفیق جمال بزرگپور چند سال پیش در دو مورد، نظرات خود را به طور مکتوب در میان اعضای حزب انتشار دادند که همان موقع از جانب رفقا مورد نقد جدی قرار گرفت، سپس ایشان از آنجایی که متوجه شدند نمی‌توانند در مقابل آن نقدها به دفاع از نظرات خود بپردازند و نیرویی حول آن گرد آورد، ظاهراً و به قول خودشان آنها را به بایگانی و یا روی تاقچه سپردند. ایشان در یکی از آن نظرات مکتوب خود در واقع خواهان انحلال حزب کمونیست ایران و ادامه فعالیت در قالب سازمانی کومه‌له بودند، و در دیگری از جمله با ناکارا دانستن برنامه کومه‌له برای حاکمیت مردم در کردستان، خواهان تغییر این برنامه در جهت پرداختن به نقش احزاب در اداره جامعه کردستان و لزوم استیلا احزاب بر جامعه در آنچه که او از آن به عنوان دوره گذار بعد از جمهوری اسلامی نام برده است، شده بودند. با آنکه ظاهراً چنین نظراتی به بایگانی سپرده شده بود، اما همواره و بدون وقفه به شیوه‌های خرنده در متن توازن قوای تشکیلاتی و سیاسی به پیش برده شده است.)

با توجه به موارد اشاره شده فوق می‌توان گفت که این گونه نظرات و مواضع و دیدگاه‌های جناح راست در تشکیلات کومه‌له و حزب کمونیست، بی‌ربط به جامعه و تمایلات و روندهای سیاسی معین در آن نیست. تمامی آن موارد، در خارج از این تشکیلات، روندهای عینی و سیاسی‌ای هستند که اساساً در تقابل با کمونیسم و جنبش مبارزاتی طبقه کارگر، قرار دارند.

در متن یک چنین مواضع و عملکردهایی است که:

۱. رهبری امروز کومهله به جای مبارزه و تلاش برای به میدان آوردن صف مستقل طبقه کارگر در کردستان به عنوان رهبر مبارزات علیه تمامی بی‌عدالتی‌ها و مصائب و ستم‌های موجود در این جامعه از جمله ستم ملی، به میدان آوردن هر چه بیشتر کارگران و زحمتکشان به مثابه نیروی محرکه جنبش انقلابی مردم کردستان، پرداختن به جنبش مستقل طبقه کارگر و جنبش سوسیالیستی آن، به راه انداختن یک جنبش شورایی قدرتمند در کردستان؛ به رواج پوپولیسم و «جنبش همه با هم» مشغول شده‌اند.

۲. جنبش در کردستان را یک جنبش واحد، و کومهله را جناح چپ این جنبش معرفی می‌کنند. تحت لوای ایجاد وحدت در میان مردم، کل برنامه و پروژه‌های خود را بر اساس مماشات و سازش با احزاب بورژوا ناسیونالیست تنظیم کرده، جامعه را از وجود احزاب مسلح مرعوب کرده تا به این ترتیب از یک سو برای خود مجوزی به منظور نزدیکی وافر و اتحاد عمل با ارتجاعی‌ترین حزب و جریان حتی آنهایی که از سردادن شعار سرنگونی رژیم اسلامی هم پرهیز می‌کنند، دست و پا کنند و از سوی دیگر نقش احزاب و اراده و تصمیمات آنان را در به اصطلاح اداره جامعه و برقراری امنیت و آرامش در آن برجسته نمایند. به جای تلاش عملی و نقشه‌مند برای به میدان آوردن توده‌های مردم و تضمین حضور حداکثری آنان در صحنه مبارزه سیاسی، موضوع «احزاب» را برجسته می‌کنند و چنین القا می‌کنند که راه چاره مردم کردستان در دست احزاب است. بی‌دلیل نیست که طی چند سال اخیر این همه انرژی و وقت خود را صرف موضوع احزاب نموده‌اند.

۳. رفیق ابراهیم در راستای زیرپا نهادن مرزبندی‌های مصوب کومهله، برای آنچه که خود از آن به عنوان «اجماع»، میان کومهله و دو شاخه سازمان زحمتکشان و دو شاخه حزب دمکرات یاد می‌کند، برای تأمین رضایت خاطر آنان، به ارائه «فرمول کومهله و دمکرات» روی می‌آورد. مدتی برای آن به تبلیغ و بازارگرایی مشغول می‌شود، اما احزاب مذکور تنزل بیشتری از او طلب می‌کردند و در این راستا آنطور که در جریان صدور بیانیه مشترک در خصوص تحریم نمایش انتخابات رژیم در سال ۱۳۹۶ مشاهده شد، سازمان ارتجاع اسلامی «خبات» را هم به فرمول ایشان تحمیل کرده و در کنار دست ایشان نشاندهند. رفیق ابراهیم با وجود مخالفت رفقای کمیته اجرایی حزب مبنی صدور چنین بیانیه مشترکی، به امضای آن بیانیه از جمله با سازمان ارتجاع اسلامی «خبات» اقدام نمود و به این ترتیب ضمن ثبت خطا و تاکتیکی غلط برای کومهله، این تشکیلات را با انتقاد و نارضایتی بسیار از سوی تمامی احزاب چپ و کمونیست در ایران و نیز از سوی فعالین و هواداران در داخل کشور مواجه نمود.

۴. برای نهاد موسوم به «کنگره ملی کرد» که مجمعی از احزاب ناسیونالیستی و اسلامی به رهبری پ.ک.ک بوده، از بالای سر مردم کردستان خود را کنگره ملی این مردم نامیده، در خدمت بلوک‌بندی قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی قرار گرفته، استراتژی بقای جمهوری اسلامی را در پیش گرفته و در رابطه با کردستان ایران در پی غالب نمودن خط سازش و تسلیم بر جنبش انقلابی مردم کردستان می‌باشد؛ اعتبار و اتوریته خاصی قائل و برای حضور و شرکت در آن و نهادهای ذی‌ربطش یعنی «کمیته دیپلماسی مشترک» و «کنفرانس رایزنی ملی» سر از پا نمی‌شناسند.

۵. هنگامی که درج نام کومهله در لیست بلندبالایی از احزاب بورژوایی و جریانات ارتجاع اسلامی و ناسیونالیستی منطقه در قطعنامه‌ای صادره از سوی کمیته دیپلماسی مشترک، با انتقادات و اعتراضات جدی‌ای روبرو شد، با اینکه به مدت یک ماه از انتشار چنین قطعنامه‌ای در سایت‌های اینترنتی وابسته به آنان و نیز در شبکه‌هایی اجتماعی می‌گذشت، با اعلام بی‌خبری از آن، وجود امضای کومهله در آن را ناشی از یک سوءتفاهم و یا اشکال فنی از سوی صادرکنندگان آن دانسته و گفتند که در تماسی دوستانه با آنان، نام کومهله از آن لیست حذف شده است. با وجود چنین موضع سست و ضعیف و متناقضی اما برخلاف گفته آنان، نام کومهله همچنان در آن لیست و به مدت یک ماه دیگر (جمعاً دو ماه) باقی ماند. تنها پس از اعتراض و فشار و پیگیری رفقای در این تشکیلات بود که نام کومهله از آن لیست برداشته شد. چند ماه بعد مجدداً نام کومهله در یک چنین لیستی و این بار در خصوص تقاضا از کشورهای امپریالیستی جهانی و اعضای «ناتو» برای ایجاد منطقه پرواز ممنوع بر فراز خاک کردستان سوریه و تحت فشار قرار دادن دولت ترکیه، قرار گرفت!

۶. در شرایطی که خیزش سراسری مردم در دی ماه سال ۹۶ قطب بندی‌های سیاسی و طبقاتی را تشدید نموده بود، از یک سو ظاهراً به پروسه همکاری و اتحاد عمل احزاب چپ و کمونیست در کردستان وارد شده بودند و از سوی دیگر برای وارد شدن به مرکز همکاری احزاب ناسیونالیست در کردستان سر از پا نمی‌شناختند. همزمان به پ.ک.ک متمایل و به مجامع تحت رهبری آن وارد می‌شدند. سپس در فرصتی مناسب ادامه‌کاری نهاد نوپای مربوط به همکاری احزاب چپ و کمونیستی در کردستان را

با بن بست روبرو کرده و برای گرویدن به کمپ ناسیونالیسم در منطقه عملاً گریبان خود را از «مزاحمین» خود در آن نهاد یعنی حزب کمونیست کارگری و حزب کمونیست کارگری-حکمتیست خلاص نمودند.

۷. در شرایطی که جنبش سراسری مردم ایران برای سرنگونی رژیم اسلامی وارد فاز نوینی شده بود، در تضاد با این روند و در تضاد با تمامی مواضع و سیاست‌های اتخاذ شده کومه‌له و حزب کمونیست در قبال این جنبش؛ به طور مخفیانه همراه با احزاب ناسیونالیست در کردستان وارد پروسه شکل‌گیری مذاکره با رژیم اسلامی شده بودند. در یک چنین موقعیت متضاد و متناقضی، از سوی دیگر با سایر احزاب به صدور فراخوان برپایی اعتصاب عمومی توسط مردم کردستان در شهریورماه سال ۹۷ نیز اقدام نمودند.

۸. اصول و پرنسپ کومه‌له مبنی بر «علنی بودن کل پروسه مذاکره» را زیر پا نهاده و به طور مخفیانه همراه با هر دو شاخه حزب دمکرات و هر دو شاخه سازمان زحمتکشان مشغول چانه‌زنی با دلالان این مذاکره شده بودند. اما در ادامه توسط این دلالان از آن پروسه کنار گذاشته می‌شوند. به مدت یک سالونیم این موضوع را از تشکیلات و از چشم جامعه مخفی نگه داشتند و تنها پس از آنکه اخبار انجام آن به اصطلاح مذاکره میان احزاب ناسیونالیست و رژیم اسلامی (در کشور نروژ) در شبکه‌های اجتماعی درز کرد، از اینکه مبدا حضور مخفیانه ایشان هم در پروسه مذکور آشکار شود، پیش‌دستی کرده و طی مصاحبه تلویزیونی، با بیاناتی مخدوش و متناقض به چنین حضوری اقرار کردند.

۹. هنگامی که این بندوبست احزاب ناسیونالیست با رژیم (که به طور آشکار در راستای تأمین منافع رژیم و ضربه زدن به جنبش انقلابی مردم کردستان قرار گرفته بود)، با موج وسیعی از محکومیت و تنفر و انزجار عمومی چه در داخل و چه در خارج از ایران مواجه شد، نه تنها این اقدام ضد مردمی احزاب ناسیونالیست را محکوم نکردند، بلکه برای این دوستان دروغین مردم ابراز امیدواری می‌کردند که بلکه در آن نشست خود با رژیم، خوب عمل کرده باشند! ایشان بر خلاف اسناد و مصوبات حزبی ناظر بر امر همکاری مابین احزاب، نه تنها هیچ تأثیری بر روابط و همکاری‌های خود با احزاب مذاکره‌چی وارد ننمودند، بلکه در موضع ضعف، خواستار تداوم هرچه بیشتر روابط و همکاری‌های خود با آنها شدند. در ادامه رفیق ابراهیم به توجیه انجام چنین زودبندی‌هایی پرداخت و در شرایطی که مبارزات سرنگونی‌طلبانه مردم ابعاد هرچه گسترده‌تری می‌یافت، اعلام نمود که «این احزاب حق دارند بر سر منافع حزبی خود مانند مسائلی چون مبارزه مسلحانه و یا فعالیت در چهارچوب جمهوری اسلامی با رژیم به مذاکره بنشینند.» مطابق یک چنین موضع‌گیری بیگانه با کومه‌له، بایستی تمامی نشست و گفتگوهای مخفیانه حزب دمکرات و سازمان زحمتکشان طی سالیان گذشته با مأموران رژیم را جایز و مشروع به حساب آورد! از سوی دیگر، پس رهبری امروز کومه‌له هم می‌تواند مجاز باشد بر سر آنچه که منافع حزبی می‌نامد، با رژیم به گفتگو و مذاکره بنشینند!

۱۰. هنگامی که افشای طرح ترور شماری از اعضای رهبری حزب کمونیست کارگری-حکمتیست از جانب سازمان زحمتکشان، با موج وسیعی از محکومیت و ابراز تنفر مردم در داخل و خارج کشور مواجه شد (با آنکه تشکیلات کومه‌له خود نیز قبلاً هدف چنین اعمالی از جانب سازمان زحمتکشان قرار گرفته بود)؛ نمی‌خواستند که در این باره موضعی بگیرند. تنها تحت فشارهای وارده از درون و بیرون تشکیلات بود که سرانجام ناچار شدند موضع رسمی خود را اعلام کنند. با اینحال نه تنها آن طرح ترور از سوی سازمان زحمتکشان را محکوم نکردند، بلکه با صدور اطلاعیه‌ای سعی در تخفیف فشار و اعتراضات وارده بر آنان نمودند.

۱۱. به بهانه اینکه نام رسمی کومه‌له یعنی سازمان کردستان حزب کمونیست ایران، «طولانی» است، در پی تغییر این نام بوده و با ارائه‌ی قرار در این خصوص به کنگره ۱۷ کومه‌له کوشیدند که آن را به تصویب کنگره برسانند که با مخالفت اکثریت مطلق کنگره روبرو می‌شود. رفیق ابراهیم عزیزاده یکی از کسانی بود که به این قرار رأی مثبت داد.

۱۲. در مقابل چند فقره قتل زحمتکشان نواحی مرزی توسط سازمان پژاک، سکوت کامل اختیار کرده و تداوم روابط صمیمانه خود با آنها که در اصل شاخه‌ای از پ.ک.ک به حساب می‌آیند و مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی را در دستور ندارد، بر پایمال نمودن حقوق مردم زحمتکش در کردستان توسط ایشان، ترجیح می‌دهند.

۱۳. تشکیلات کردستان حزب را از چارت سازمانی و اتوریته سیاسی و تشکیلاتی حزب کمونیست ایران جدا کرده، کمیته مرکزی آن هیچ تبعیتی از کمیته اجرایی حزب به عنوان عالی‌ترین مرجع تشکیلاتی (در فاصله دو کنگره) نمی‌نماید و به این ترتیب به طور دوفاکتو کومه‌له را از حزب کمونیست جدا کرده‌اند.

هر یک از نمونه موارد فوق، به نوبه خود لطمات جبران‌ناپذیری بر وجهه و اعتبار اجتماعی، سیاسی و تشکیلاتی کومه‌له و جنبش مبارزاتی کارگران و زحمتکشان و مردم ستمدیده کردستان وارد نموده است.

از آنجایی که ماهیت نظرات و مواضع جناح به رهبری رفیق ابراهیم علیزاده، راست‌روانه و ناسیونالیستی و بیگانه با سیاست‌های انقلابی و کمونیستی کومه‌له می‌باشد، در عرصه رفتار و برخورد با منتقدین خود در درون تشکیلات هم، بیگانگی آنها با اسلوب و فرهنگ انقلابی و کمونیستی به وضوح نمایان است. نمونه موارد فوق، در کنار بسیاری دیگر از این دست، چالش‌های سیاسی‌ای بوده‌اند که طی چند سال اخیر، چالش‌های تشکیلاتی فزاینده‌ای را هم با خود به دنبال آورده‌اند. جناح مزبور توان یک مواجهه سالم با نقدهای موجود را نداشته‌اند، در مقابل همواره به روش‌های ناسالم و توطئه‌گرانه (فرهنگ راست) توسل جسته است. موارد، بسیارند که از حوصله این نوشته خارج است. اما به عنوان نمونه:

• چند سالی است که کمپین نفرت‌پرانی و تخریب و ترور شخصیت علیه رفقای جناح مقابل در جریان است. «اینها می‌خواهند اردوگاه کومه‌له را برچینند»، «علیه کومه‌له کار می‌کنند»، «مشغول کودتا علیه دبیر اول کومه‌له هستند»، «طرفدار حزب کمونیست کارگری بوده و می‌خواهند حزب را به طرف آنان ببرند»؛ محورهایی از این آژیتاسیون و کمپین است. در حول و حوش کنگره ۱۷ کومه‌له با توسل به چنین کمپینی توانستند ضمن مهندسی کردن انتخابات مربوط به نمایندگان حوزه تشکیلات کردستان، به حذف رفقای منتقد خود (در این انتخابات) بپردازند. تا جایی که ناظر کل انتخابات در سراسر تشکیلات، در صحن کنگره ضمن اعتراض به چنین اعمالی، اعلام می‌کند که در حوزه کردستان، انتخابات مهندسی شده است. در اعتراض به یک چنین بی‌پرنسیبی و اعمال زشتی بود که بسیاری از رفقا خصوصاً کادرهای پرسابقه رهبری کومه‌له، حاضر نشدند برای انتخاب شدن در کمیته مرکزی، خود را کاندید نمایند. چون آن رفقا نمی‌خواستند با کاندید کردن خود و با حضور در کمیته مرکزی به مهندسی کردن انتخاب نمایندگان به منظور حذف تعدادی از کادرهای کومه‌له مهر مشروعیت بکوبند. این رفقا در صحن کنگره با صراحت اعلام کردند که در اعتراض به این روش‌ها و در اعتراض به مهندسی سیاسی انتخابات، خود را کاندید نمی‌کنند.

• ضربات این کمپین به تضعیف کومه‌له و حزب کمونیست منجر شد و شکاف و دودستگی عمیقی در آن به وجود آورد.

• دبیرخانه تشکیلات کردستان، به نهاد سانسور و ممیزی تبدیل و از انتشار نامه‌ها و اظهار نظرات انتقادی اعضای خارج از کشور در میان اعضای تشکیلات کردستان جلوگیری به عمل آورده است. به سهم خود چند بار و به طور مکتوب نسبت به این سانسور و رفتار غیردمکراتیک اعتراض خود را ابراز داشته بودم.

• سال گذشته به دلیل انتشار پاره‌ای مطالب در مورد وجود اختلاف سیاسی و نقد گرایش راست و انحلال‌طلب در ضمیمه یکی از شماره‌های نشریه جهان امروز (نشریه سیاسی حزب)، جناح راست علاوه بر فحاشی و ابراز خشم علیه این نشریه و رفیق سردبیر آن، کمپین جمع‌آوری امضا علیه نشریه و درخواست برخورد تشکیلاتی به رفیق سردبیر آن که عضو کمیته اجرایی حزب نیز می‌باشد به راه انداختند.

• به دلیل انتشار مطلبی از سوی رفیق عباس منصوران عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران در نقد حضور مخفیانه کومه‌له در بخشی از پرونده مربوط به مذاکره با رژیم اسلامی، جناح راست علاوه بر فحاشی و ابراز خشم علیه این رفیق، کمپین جمع‌آوری امضا علیه ایشان و درخواست اخراج او از تشکیلات را به راه انداختند.

• کمیته تشکیلات خارج کشور حزب که در قبضه جناح راست قرار دارد، با صدور ابلاغیه‌ای فرمان سرکوب علیه اعضای که نظرات انتقادی خود در قبال سیاست‌های رهبری را در دنیای مجازی انتشار می‌دادند، اعلام نمود و آنان را به اخراج و تعلیق عضویت تهدید نمود.

• در تشکیلات کردستان، رفیق جمال بزرگپور مسئول وقت دبیرخانه کومه‌له، همراه با کمیته خارج کشور به سرپرستی رفیق عادل الیاسی با انجام یک سلسله کار پلیسی، اختیارات و حریم خصوصی رفقا در دنیای مجازی را پایمال نموده و با رصد حساب کاربری رفقا خصوصاً در شبکه جهانی فیسبوک، علیه آنها به پرونده سازی اقدام نمودند. در این راستا شماری از اعضای حزب در خارج کشور که در نقد خط راست حاکم بر رهبری کومه‌له، به نحو دلخواه خود ابراز وجود کرده و مثلاً مطالبی را در این زمینه، لایک و یا به اشتراک گذاشته بودند، مورد توبیخ، تعلیق عضویت و یا اخراج قرار گرفتند. به این ترتیب تفیش عقاید و سلب آزادی بیان توسط جناح راست وارد فاز دیگری شد.

• شمار چشمگیری از رفقا در اعتراض به این سرکوب درون تشکیلاتی، مجبور به استعفا شدند. دهها تن از رفقا با ارسال نامه‌ای اعتراضی به کمیته خارج کشور، خواهان لغو آن حکم سرکوب و پایان دادن به آن اعمال شنیع شدند، اما ارباب حذف و سانسور همچنان به کار خود ادامه داده است.

• رفیق جمال بزرگپور تعدادی از رفقای پیشمرگ را به دلیل اینکه در صفحه فیسبوکی خود نوشته‌ای از رفیق عباس منصوران را «لایک» کرده بودند، به دبیرخانه احضار کرده، ضمن تهدیدات شفاهی علیه آنان، به طور کتبی نیز به بازجویی آنان پرداخته، از رفقا درخواست کرده که باید از عمل خود پشیمان شده و به طور کتبی نیز اقرار کنند که کارشان اشتباه بوده است. این اقدامات وی با برپایی دادگاه تفتیش عقیده هیچ فرقی نداشت. هنگامی که یکی از رفقا، در مقابل این بازجویی و تفتیش عقیده، با بیان اظهاراتی از خود دفاع می‌کند؛ ایشان با ابراز خشم آن رفیق را از محل بیرون می‌رانند.

• از یک سو از تمامی بی‌پرنسبیبی و اعمال مجرمانه‌ای که خود مرتکب می‌شوند، چشمپوشی می‌کنند، اما در مقابل، رفقای که در این باره انتقاد و یا اعتراض خود را ابراز می‌دارند، با حربه «اتهامات غیر واقعی»، بلافاصله مورد برخورد و یا اخراج و سلب عضویت قرار می‌دهند.

• تشکیلات خارج کشور حزب به فعال مایشاء تبدیل شده، هیچ تبعیتی از ارگان مافوق یعنی کمیته اجرایی حزب نمی‌نماید.

• جناح راست به رهبری رفیق ابراهیم علیزاده با اکثریت خواندن خود در حالی که این ادعا در کنگره حزب به عنوان عالی‌ترین مرجع حزبی رسمیت پیدا نکرده است، بیش از دو سال است که قرارهای کمیته مرکزی حزب و کمیته اجرایی حزب را زیر پا می‌گذارند و آشکار دست در دست کمیته خارج مواضعی انحلال‌طلبانه در پیش گرفته‌اند. در حالی که مطابق اساسنامه حزب کمونیست ایران، اخراج عضوی از حزب باید به تأیید کمیته اجرایی حزب برسد؛ آنها به رغم مخالفت کمیته اجرایی حزب، چند نفر از اعضای مخالف سیاسی خود را اخراج کرده‌اند.

• تشکیلات خارج کشور، علیه رفقا به استراق سمع نیز متوسل شده و فایل صوتی جلسه‌ای مابین تعدادی از رفقا را در میان تشکیلات و نیز تشکیلات داخل کشور انتشار می‌دهد.

• در ارگان تلویزیون کومه‌له، رفیق محمد کمالی تهیه‌کننده و مجری برنامه «دیالوگ» (در خارج کشور) و رفیق مهدی حسینی تهیه‌کننده و مجری برنامه «روانگه» (در تشکیلات کردستان) را تحت فشار قرار داده‌اند که بایستی برنامه‌هایشان را تعطیل کنند. در حال حاضر سانسورچیان جناح راست در تلویزیون، موفق شده‌اند برنامه روانگه با سرپرستی رفیق مهدی را به تعطیلی بکشانند. سال گذشته نیز که رفیق مهدی حسینی در یکی از برنامه‌های خود در مورد اختلافات سیاسی در تشکیلات، نظرات خود را بیان کرده بود، رفیق جمال بزرگپور با احضار وی به دبیرخانه، او را به برخورد تشکیلاتی تهدید می‌کند. سپس به مدت یک ماه، برنامه روانگه متوقف می‌شود.

• رفیق ابراهیم و دیگر اعضای کمیته مرکزی کومه‌له، دو تن از اعضای کمیته اجرایی حزب مستقر در تشکیلات کردستان را با وجود اینکه ارگان مافوق ایشان هم محسوب می‌شوند، اما به جلسات خود راه نمی‌دهند. با توسل به روش‌های سخیفانه علیه ایشان که هر دو از چهره‌های معتبر و شناخته شده‌ای در جامعه کردستان هستند، وارد عمل شده‌اند.

• سانسورچیان جناح راست در ارگان تلویزیون، طی روزهای اخیر از پخش مصاحبه‌ای از رفیق محمد کمالی به عنوان مسئول تهیه برنامه دیالوگ با رفیق حسن شمس عضو کمیته اجرایی حزب کمونیست ایران در مورد اختلافات درونی در تشکیلات کومه‌له و حزب، جلوگیری به عمل آورده‌اند. این در حالی است که مصاحبه خود رفیق ابراهیم در همین زمینه با رسانه دیگری با نام رادیو دیالوگ را در چند قسمت از طریق تلویزیون کومه‌له پخش نموده‌اند.

•

بله! چنین است عملکرد جناح راست هنگامی که در انظار عمومی ژست «برخورد و رفتار دمکراتیک و رفیقانه و انتشار آزادانه نظرات و مباحث» را به خود می‌گیرند. با یک چنین عوامفریبی‌ای یعنی «اعمال سرکوبگرانه اما ادعاهای دمکرات-مآبانه» است که امروزه جناح راست پروژه حذف و تسویه حساب با جناح مقابل -بخوان با برنامه و استراتژی انقلابی و کمونیستی- را در این تشکیلات به اجرا در می‌آورد. هنگامی که «شر این مزاحمین» را هم از سر خود کم کردند، آنگاه نوبت قلع و قمع اسناد برنامه‌ای هم می‌رسد!

ناسیونالیسم مانند ویروسی همواره در این تشکیلات وجود داشته و بنابه شرایط مساعد در محیط پیرامون خود، به تحرک درآمده است. آنچه که امروزه بحران درون تشکیلات کومهله و حزب کمونیست را این چنین پیچیده و پرمخاطره نموده است، این است که هیچگاه ناسیونالیسم در درون این تشکیلات به مانند امروز دست‌بالا را پیدا نکرده است.

این است بلایی که جناح راست و انحلال‌طلب بر سر تشکیلات کومهله و حزب کمونیست آورده‌اند و کماکان هم نمی‌خواهند که جامعه از آن مطلع شود! قطعاً که کارگران و توده‌های آگاه و انقلابی، فعالین چپ و کمونیست در این جامعه چنین اعمالی را از رهبری امروز کومهله نخواهند پذیرفت!

۱۲ شهریور ۱۳۹۹

۲ سپتامبر ۲۰۲۰

رفیق ابراهیم علیزاده در بخش دوم از گفتگوی خود با رادیو «دیالوگ»، به موضوع جدایی فراکسیون موسوم به «فعالیت تحت عنوان کومهله» (در حدود ۱۲ سال قبل) از تشکیلات کومهله و حزب کمونیست ایران که سپس نام «روند سوسیالیستی کومهله» را بر خود نهادند، می‌پردازد. ایشان در این باره می‌گوید:

«... درباره روند سوسیالیستی، واقعیت این است که از همان نامی که برای خود انتخاب کرده بودند تا رفتار و عملکردشان، اگر همچنان می‌رفت، مسیری بود که انتهای آن ناچاراً جدایی بود. آنان می‌توانستند و می‌شد که آهنگ حرکت خود را آرام‌تر می‌کردند تا بر سر خیلی مسائل که امکان تفاهم زیادتر داشتیم با همدیگر تفاهم می‌کردیم، تا راه جدایی را مسدود می‌کردیم، این از سوی آنها. از سوی ما هم، ما می‌توانستیم و می‌بایست که از صدور قرار اخراج آنها عجله نمی‌کردیم. من خودم در آن تصمیم شرکت داشتیم و مسئولیت آن را هم قبول می‌کنم ولی به نظرم اشتباه بود، به نظرم اگر آن دوربینی از سوی هر دو طرف وجود می‌داشت، سعه صدر از سوی ما، و آنها هم آهنگی که در پیش گرفته بودند و عملاً روبه جدایی می‌رفتند را آرام‌تر می‌کردند و هر دو طرف جایی برای دیالوگ سازنده در این باره می‌گذاشتند، حتماً ما را به نتیجهٔ بهتری می‌رساند. اکنون هم به نظر من این نشان می‌دهد که راه برطرف کردن کماکان موجود است. من در روز کومهله گفتم همهٔ آن فعالینی که خود را کمونیست و سوسیالیست می‌دانند و در اساس به این آرمان وفادارند، کومهله برای آنها ظرف مناسبی است که در آن گرد آیند، مجدداً به صفوفش بپیوندند از هر سو آن را تقویت کنند، من این را گفتم که هیچ مانعی بر سر این راه نیست. وقتی که انشعاب سال ۲۰۰۰ روی داد نزدیک به ۱۵۰ کادر قدیمی کومهله که دورهٔ جدایی‌های سال ۱۹۹۰ به تدریج رفته بودند و پراکنده شده بودند، آنها همه برگشتند و کومهله را تقویت کردند. به نظر من در این دوره هم دوباره آن دروازه باز است و می‌بایست هم از سوی ما با گشاده‌دلی رفتار بشود با این مسئله، آن رفقا هم ظرف مناسب‌تر و جاافتاده‌تر و خوش‌نام‌تری از کومهله و حزب کمونیست ایران که بخشی از تاریخ خودشان هم هست و در آن شریک بوده‌اند ندارند. (تأکید از من است.)

رفیق ابراهیم از فرط وارونه‌نمایی و تحریفاتی که در قبال وجود اختلاف سیاسی و بحران جاری در تشکیلات کومهله و حزب کمونیست در پیش گرفته و طی این سلسله نوشتار گوشه‌هایی از آن مورد نقد قرار گرفته است، به ناچار به تحریف خودش هم روی آورده است، به منظور تأمین اهداف جناحی خود، به کنگره و پلنوم‌های حزبی و تصمیمات آنها هم رحم نمی‌کند. تشکیلات کومهله را ملک طلق خود به حساب می‌آورد و هر طور که دلش بخواهد با واقعیات و تاریخ جاری این حزب و تشکیلات بازی می‌کند و یا آنها را آشکارا لگدمال می‌کند. دیدیم که چگونه با بیان یک تمثیل از چراق راهنمایی و رانندگی، در روز روشن برنامهٔ کومهله برای حاکمیت شورایی را به عقب راند و حاکمیت احزاب و ادارهٔ امور توسط آنان را (در دورهٔ گذار بعد از جمهوری اسلامی) در اولویت کومهله قرار داد، وقتی هم اظهارات وی با موج وسیعی از انتقادات در داخل و خارج کشور روبرو می‌شود، برای اینکه عقب‌نشینی خود را توجیه کند با یک وارونه‌نمایی دیگر اعلام می‌کند منظور من از آن تمثیل این بوده که از همین الان جلو بروز جنگ میان احزاب در آن دورهٔ گذار گرفته شود؟!!

از آنجایی که قبلاً به عنوان عضو کمیتهٔ مرکزی حزب کمونیست ایران، در جریان تصمیمات تشکیلات و پروسهٔ جدایی فراکسیون مذکور حضور داشته‌ام، توضیحاتی را در رد اظهارات رفیق ابراهیم علیزاده ضروری می‌دانم.

همانطور که در نقل فوق مشاهده می‌شود، ایشان برای اینکه بتواند به طور خیلی کوتاه زمینهٔ ابراز ندامت و پشیمانی خود از شراکت در تصمیم اتخاذ شدهٔ تشکیلات کومهله و حزب کمونیست در قبال فراکسیون را فراهم کند، به اصطلاح ژست منصفانه‌ای به خود گرفته و «تقصیر و خطا»ها را به طور یکسان بین طرفین درگیر تقسیم می‌کند.

تا آنجا که به فراکسیون مربوط می‌شود، اشاره ایشان به اینکه «آنها از همان نامی که برای خود انتخاب کرده بودند تا رفتار و عملکردشان، اگر همچنان می‌رفت، مسیری بود که انتهای آن ناچاراً جدایی بود»؛ قابل قبول است. اما گفتن اینکه «آنان می‌توانستند و می‌شد که آهنگ حرکت خود را آرام‌تر می‌کردند تا بر سر خیلی مسائل که امکان تفاهم زیادتر داشتیم با همدیگر تفاهم می‌کردیم، تا راه جدایی را مسدود می‌کردیم»؛ سفسطه‌ای است که در خدمت منافع سیاسی امروز خود و ابراز هم‌سویی با فراکسیون و دلجویی از آنان صورت می‌گیرد، چراکه وقتی ایشان تأکید می‌کند که کار آنان محتوم به جدایی بود، بقیهٔ حرف‌ها در خوش‌بینانه‌ترین حالت، یک نوع خیالبافی و «کاشکی کاشکی» گفتن است. جدای از این رفیق ابراهیم خوب می‌داند که رفقای فراکسیون با مواضع و جهت‌گیری‌هایشان، کمترین تفاهم‌نظر سیاسی با برنامه و استراتژی کومهله و حزب کمونیست باقی

نگذاشته بودند. پس ایشان از کدام «مسائل زیادی که با هم تفاهم داشته‌ایم» صحبت می‌کند؟ ایشان برای نشان دادن صحت حرف خود می‌بایست حداقل یکی دو مورد از آن مسائل را به مخاطبین نشان می‌داد!

مطابق اسناد و مصوبات حزبی موجود که اتفاقاً خود رفیق ابراهیم نیز بخشی از آنها را نوشته است، اهداف و مواضع سیاسی این فراکسیون: «با مواضع و دیدگاه‌های کومه‌له در هیچ مقطعی از تاریخ فعالیت آن خوانایی نداشت. در مغایرت و تقابل با موجودیت حزب کمونیست ایران، برنامه، مبنای استراتژی سیاسی و مبنای سیاست‌ها و تاکتیک‌های حزب کمونیست و کومه‌له قرار داشت. خواهان انحلال حزب کمونیست ایران بودند و با بسیاری از مسائل استراتژیک و سیاسی و فعالیت‌های این حزب چه در کردستان و چه در ایران اختلاف اساسی داشتند. مواضع و دیدگاه‌هایشان در مغایرت و تقابل کامل با برنامه کومه‌له برای حاکمیت مردم در کردستان قرار داشت...». آیا با وجود یک چنین عدم تفاهم‌نظر سیاسی زیادی با اهداف و برنامه کومه‌له و حزب کمونیست، کسی می‌تواند ادعا کند که هنوز تفاهم‌نظر سیاسی زیادی با آنها می‌توانست باقی مانده باشد؟!

تا آنجا که به تشکیلات مربوط می‌شود، اشاره رفیق ابراهیم به اینکه «ما هم می‌توانستیم و می‌بایست که از صدور قرار اخراج آنها عجله نمی‌کردیم، من خودم در آن تصمیم شرکت داشتم و مسئولیت آن را هم قبول می‌کنم ولی به نظرم اشتباه بود»؛ به هیچ عنوان قابل قبول نیست. «اخراج» نامیدن و «اشتباه» دانستن تصمیم تشکیلات در قبال فراکسیون، تحریف آشکاری است که رفیق ابراهیم به آن مبادرت می‌نماید!

این اولین بار است که از زبان یکی از اعضای رهبری این تشکیلات (آنهم دبیر اول) در سطح علنی، عبارت اخراج در مورد فراکسیون به کار برده می‌شود و تصمیمی که در واقع از کنگره کومه‌له و کل تشکیلات حزب نشأت گرفته است را اشتباه و غلط به حساب می‌آورد. طی حدود ۱۲ سالی که از جدایی فراکسیون می‌گذرد، مضمون کل توضیحات خود رفیق ابراهیم و سایر اعضای رهبری و در کل موضع رسمی کومه‌له و حزب کمونیست در مورد تصمیم اتخاذ شده در مورد فراکسیون آن طور که بارها و بارها به انحاء مختلف روبه جامعه اعلام کرده‌اند، «نپذیرفتن وجود تشکیلاتی در درون تشکیلات، قرار گرفتن عملی آنان در خارج از تشکیلات اما سرباز زدن از اعلام رسمی آن، رسمیت دادن به جدایی آنها از سوی تشکیلات، و تصمیم درست حزب و تشکیلات» بوده است، نه چیز دیگری.

آیا برای همان مردمی، همان فعالین و هوادارانی که در طی این ۱۲ سال همواره چنین تیبینی را از کومه‌له و رهبری آن شنیده‌اند و با اعتماد به آن، مواضع و رویکردهای خود را در این خصوص، بر اساس آن تنظیم کرده‌اند؛ قابل قبول است که امروزه چیز دیگری در این باره بشنوند؟!

آیا بایستی ۱۲ سال سپری می‌شد، تا اینکه رفیق ابراهیم به عنوان یک دبیر اول، به زعم خود به اشتباهش پی ببرد؟! آیا زودتر از این نمی‌شد که به اشتباه خودش پی ببرد؟! آیا پس از گذشت این همه سال و این همه تحولات سیاسی و اجتماعی در جامعه و محیط پیرامون و حتی وقوع انشعاب و جدایی در میان خود جریان فراکسیون، گفتن اینکه «برگردید راه برطرف کردن مشکل کماکان موجود است»، خنده‌دار نیست؟!

اگر ایشان واقعاً به این نتیجه رسیده‌اند که تصمیم‌شان در مورد فراکسیون اشتباه بوده است، بایستی از اینکه طی این همه سال، چیز دیگری به مردم و به صفوف تشکیلات گفته‌اند، از آنان معذرت‌خواهی و طلب بخشش کنند.

ایشان خیلی کوتاه در چند کلمه می‌گویند که در آن تصمیم «اشتباه» شرکت داشته و مسئولیت آن را هم قبول می‌کند.

اگر چنین چیزی را از وی بپذیریم و اگر ایشان هم واقعاً به حرف خود باور دارند، بایستی از ایشان یا از هیأت رهبری‌ای که به آن تعلق دارد پرسید که مابه‌ازای قبول مسئولیت از سوی ایشان در قبال خطای خود چیست؟ در سیستم بورژوازی هنگامی که رئیس دولتی، یا که وزیر و کاربدستی حکومتی، به خطای سیاسی و تشکیلاتی خود اعتراف می‌کند، مابه‌ازای آن را از جمله در استعفا و یا برکناری آنها می‌توان مشاهده کرد!

رفیق ابراهیم با یک چنین بیان کوتاه و آبیکی از به اصطلاح شرکتش در یک تصمیم اشتباه، بدون اینکه کمترین اشاره‌ای به دیگر شرکت‌کنندگان در آن تصمیم و پروسه اتخاذ آن بنماید، سعی دارد به مخاطبین چنین القا کند که تصمیم‌گیرندگان، جمع محدود یا کوچکی بوده‌اند که به هر حال اشتباهی هم مرتکب شده‌اند.

در این باره بایستی گفت که تصمیم صورت گرفته از سوی رهبری تشکیلات کومه‌له و حزب کمونیست ایران در قبال فراکسیون، نه ناشی از تصمیمات یک رفیق و نه حتی یک کمیته و یا حتی کل کادرهای رهبری، بلکه ناشی از تصمیم و اراده قاطع کنگره

کومهله بود. این کنگره ۱۳ کومهله (برگزار شده در تابستان سال ۱۳۸۷ / ۲۰۰۸) بود که تشکیل فراکسیون «فعالیت تحت نام کومهله» را غیر ضروری و انتخاب چنین عنوانی را برای فعالیت ایشان، فاقد موضوعیت دانست. در این باره از سوی کنگره قراری هم مورد تصویب قرار گرفت. رفقای فراکسیون خود در کنگره حضور داشتند، مباحث خود را ابراز داشتند و بنابراین اختلافات سیاسی در کنگره به صراحت مورد بحث و گفتگو قرار گرفت.

در بخشی از اطلاعیه رسمی کمیته مرکزی کومهله در خصوص برگزاری کنگره ۱۳، در رابطه با فراکسیون آمده است:

«بخش دیگری از مباحث کنگره به بررسی موضوع «اعلام فراکسیون فعالیت تحت نام کومهله» اختصاص یافت. در این زمینه اختلاف نظرها در یک فضای سیاسی و رفیقانه مطرح گردیدند. نظر به این که چه قبل از تشکیل حزب کمونیست ایران و چه بعد از تشکیل آن و تاکنون نیز، فعالیت تحت نام کومهله در کردستان یک واقعیت عینی و انکارناپذیر بوده است، کنگره ۱۳ کومهله انتخاب عنوان «فعالیت تحت نام کومهله» برای اعلام موجودیت یک اقلیت سازمانی را فاقد موضوعیت ارزیابی کرد. کنگره همچنین در جهت‌گیرهای عمومی خود در این رابطه ضمن تأکید بر حق اقلیت تشکیلاتی در انتشار نظرات و دیدگاه‌های خود از طریق رسانه‌های حزبی، تشکیل این فراکسیون را غیر ضروری تشخیص داد. از آنجا که مطابق اساسنامه حزب کمونیست ایران، این کمیته مرکزی حزب است که در رابطه با به رسمیت شناختن یا عدم به رسمیت شناختن این فراکسیون تصمیم می‌گیرد، کنگره از کمیته مرکزی حزب درخواست نمود که در اولین پلنوم خود این موضوع را مورد بررسی قرار داده و موضع رسمی تشکیلات را در سطح علنی اعلام نماید.»

بعد از کنگره کومهله، کمیته مرکزی منتخب آن، اولین پلنوم خود را در اواخر مرداد همان سال برگزار کرد. در اطلاعیه رسمی مربوط به برگزاری این پلنوم منتشر شده در شهریور ۱۳۸۷ از جمله آمده است:

«مهمترین دستور کار این پلنوم عبارت بود از بررسی چگونگی اجرای قرارها و مصوبات کنگره سیزده کومهله. در همین ارتباط قرار بر این شد که بیشترین بخش‌های مباحثات کنگره از طریق رادیو و تلویزیون کومهله عیناً به اطلاع همگان برسد.»

سپس در اطلاعیه رسمی مربوط به برگزاری پلنوم چهارم کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران منتخب کنگره ۹ حزب که در تاریخ ۶ شهریور همان سال انتشار یافت، در رابطه با فراکسیون آمده است:

«یکی دیگر از موضوعات مورد بحث در این پلنوم، بررسی مسئله اعلام «فراکسیون فعالیت بنام کومه له» از جانب جمعی از کادرها و اعضای حزب کمونیست ایران و رسیدگی به قرار کنگره سیزدهم کومهله در همین رابطه بود. پلنوم کمیته مرکزی حزب در این رابطه قطعنامه‌ای را با اتفاق آرای اعضای کمیته مرکزی حزب و اتفاق نظر اعضای کمیته مرکزی کومهله به تصویب رساند، که همزمان با انتشار این اطلاعیه به اطلاع عموم خواهد رسید.»

در قطعنامه مصوب این پلنوم از جمله آمده است:

«مفاد بیانیه اعلام موجودیت «فراکسیون فعالیت بنام کومهله» بسیار فراتر از یک اختلاف تاکتیکی معین و یا اختلاف بر سر سیاست مشخصی می‌باشد و مضامین آن در مغایرت و تقابل با موجودیت حزب کمونیست ایران، برنامه، مبانی استراتژی سیاسی و مبانی سیاست‌ها و تاکتیک‌های حزب کمونیست و کومهله قرار دارد و استناد این رفقا به بند اساسنامه‌ای مذکور نمی‌تواند مجوزی برای تشکیل این فراکسیون باشد. لذا پلنوم ضمن تأکید بر حق این جمع رفقا در استفاده از رسانه‌های حزبی برای انتشار نظرانشان، این فراکسیون را تحت هیچ عنوانی به رسمیت نمی‌شناسد..... مفاد و مواضعی که در بیانیه اعلام «فراکسیون» آمده است با مواضع و دیدگاه‌های کومهله در هیچ مقطعی از تاریخ فعالیت آن خوانایی ندارد؛ لذا پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران، استفاده این رفقا از عنوان کومهله برای فعالیت‌هایشان را فاقد مشروعیت سیاسی و تشکیلاتی می‌داند.» (متن کامل این قطعنامه ضمیمه است ۱)

(متن اطلاعیه اعلام موجودیت فراکسیون و بازگویی اختلافاتشان، و همچنین نقد جمعی که توسط رفیق صلاح مازوجی در این باره نوشته شده، در نشریه «بسوی سوسیالیسم» شماره ۲ به تاریخ مهرماه ۱۳۸۷ انتشار یافته است. لینک این نشریه به قرار زیر است: <http://cpiran.org/nashriyat/b-soye-sosyalism/pdf/besoye-sosialism2.pdf>)

با این حال رفقای فراکسیون همچنان مشغول پیشبرد اهداف و سیاست‌های راست‌روانه و انحلال‌طلبانه خود بودند، عملاً تشکیلاتی را در تشکیلات به وجود آورده بودند، خود را ملزم به رعایت ضوابط و دیسپلین حزبی نمی‌دانستند، ...

سرانجام رهبری تشکیلات، با برگزاری پلنوم مشترک مابین کمیته مرکزی حزب و کمیته مرکزی کومهله، ادامه چنين وضعیتی را غیر قابل قبول دانست و همانطور که در اطلاعیه صادره از سوی کمیته مرکزی حزب در این باره تصریح شده است، «این خواست واقعی خود آنان بوده که در بیرون از تشکیلات ما قرار بگیرند و مستقل از آن فعالیت خود را پیش ببرند. تصمیم رهبری حزب کمونیست، فقط به عملکرد واقعی و جدایی تشکیلاتی آنها رسمیت داد.»

در اطلاعیه کمیته مرکزی حزب در مورد جمع موسوم به «فراکسیون فعالیت با نام کومهله»، منتشره در تاریخ ۱۹ اسفند ۱۳۸۷ برابر با ۹ مارس ۲۰۰۹ که رفیق ابراهیم عزیزاده متن آن را نوشته است، از جمله آمده است:

«رفقا در عکس العمل به تصمیم کمیته مرکزی نه تنها به تمایل عمومی نمایندگان کنگره و تمایل عمومی اعضا تشکیلات توجهی نکردند، بلکه در مقابل قطعنامه و تصمیم پلنوم کمیته مرکزی حزب مبنی بر به رسمیت نشناختن فراکسیون، شانه بالا انداختند و علیرغم همه تلاش‌ها، هشدار و تذکر کتبی رهبری حزب و هشدارهای مکرر اعضای حزب در جلسات تشکیلاتی نسبت به تداوم این رفتارها، به رفتار و برخوردهای غیر حزبی و تشکیلات‌شکنانه خود شدت بیشتری بخشیدند و به سازمان دادن و تأسیس یک تشکیلات در درون تشکیلات حزب اقدام نمودند و عملاً تشکیلات حزب کمونیست ایران و کومهله را به پایگاهی برای پیشبرد پروژه‌های سیاسی و تشکیلاتی خود در بیرون از تشکیلات تبدیل کردند..... همه این فاکت‌ها بیانگر این واقعیت ساده است که جمع موسوم به «فراکسیون فعالیت بنام کومهله» مدت‌ها است که عملاً در صفوف کومهله و حزب کمونیست ایران نیستند و جمع خود را در خارج از تشکیلات قرار داده‌اند. عملکرد این جمع اجتناب‌ناپذیری جدایی تشکیلاتی آنها که از بنیادهای فکری و استراتژی سیاسی جداگانه‌ای پیروی می‌کنند را با وضوح تمام به همگان نشان داده است. انصراف و خودداری این رفقا از اعلام رسمی این جدایی به دلیل بن‌بست‌های سیاسی و استراتژیک خط فکری آنها و عدم آمادگی کامل سازمانی، هیچ تغییری در ماهیت مسئله نمی‌دهد..... کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران و کمیته مرکزی کومهله در نشست مشترک خود در روز یکشنبه اول مارس ۲۰۰۹ با یک ارزیابی عینی از فعالیت‌ها و عملکرد این رفقا بویژه از مقطع اعلام فراکسیون تا کنون، ادامه این وضعیت را غیر قابل قبول دانست و به این نتیجه رسید که بیش از این نمی‌تواند اجازه بدهد که این جمع از حزب کمونیست ایران و کومهله، تشکیلات کردستان آن، بعنوان پایگاهی برای پیشبرد پروژه‌ای که با مبانی اهداف و استراتژی سیاسی و برنامه این حزب مغایر است استفاده کنند. در واقع این خواست واقعی خود آنان است که در بیرون از این حزب و در بیرون از تشکیلات کردستان آن قرار بگیرند و مستقل از آن فعالیت خود را پیش ببرند. انتشار این اطلاعیه فقط به عملکرد واقعی و جدایی تشکیلاتی آنها رسمیت می‌دهد و در نتیجه کار مشترک و فعالیت این رفقا با جریان ما بدینوسیله خاتمه خواهد یافت. (متن کامل این اطلاعیه ضمیمه است ۲)

تصمیم فوق، با توافق و رأی مستقیم همه رفقای کمیته مرکزی کومهله و حزب کمونیست، انجام شد. در آن پلنوم مشترک به غیر از یک نفر، مابقی ۳۵ عضو رهبری این تشکیلات (کمیته مرکزی حزب کمونیست و کمیته مرکزی کومهله، با احتساب رفقای که به طور مشترک در هر دو کمیته مرکزی حضور داشتند این تعداد به ۴۵ نفر افزایش می‌یافت) به تصمیم مزبور رأی موافق دادند. اطلاعیه رسمی کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران در مورد فراکسیون و شرح بیان و تصمیم حزب در این باره را هم خود رفیق ابراهیم عزیزاده نوشتند. (ضمیمه است ۲)

این است بخشی از تاریخ واقعی و مستند حیات تشکیلاتی این جریان که امروزه رفیق ابراهیم عزیزاده به نمایندگی از جناح راست در این تشکیلات به طور آشکار مورد جعل و تحریف قرار می‌دهد. ایشان اگر می‌پندارند که به عنوان یک دبیر اول، تصمیم‌شان اشتباه بوده است، و اگر ایشان ارزش و اعتباری برای تصمیم کنگره‌ها و مصوبات آن قائل‌اند، ابتدا بایستی در چند صفحه کاغذ به نقد اسناد و مصوباتی که خودشان هم آن را نوشته‌اند بپردازد، به نقد تصمیم کنگره ۱۳ کومهله در این باره پرداخته و آن را فاقد اعتبار معرفی کنند.

چنین تحریفی (در مورد فراکسیون) در کنار بسیاری از اکاذیب و جعلیات دیگر از سوی جناح راست طی سال‌های اخیر و به انحاء گوناگون در مقابله با جناح منتقد خود، به کار گرفته شده است. از آنجایی که دیدگاه‌ها و مواضع‌شان، همان دیدگاه‌ها و مواضع راست‌روانه و انحلال‌طلبانه فراکسیون می‌باشد، ضمن دفاع از آنان، تلاش کرده‌اند که بگویند:

«آنها را از حزب اخراج کردند، کسی که آنها را اخراج کرد صلاح مازوجی بود و ابراهیم علیزاده هیچ کاره بود، رفتارشان با آنها غیردمکراتیک بود، باید دوباره آنها را به تشکیلات دعوت کرد...» (قبلاً در نامه‌هایی درون تشکیلاتی به نقد چنین اظهاراتی پرداخته‌ام). اکنون رفیق ابراهیم هم در رأس این جناح، تلاش دارد همین تصاویر جعلی را تحویل دیگران بدهد.

علیرغم هر گونه ارزیابی‌ای که در مورد جدایی فراکسیون داشته باشیم، اما پس از گذشت این همه سال و این همه تحولات، دعوت از آنها برای پیوستن مجدد به تشکیلات کومه‌له و حزب کمونیست ایران، موضوع مشخصی است که امروزه به طور مستقیم در خدمت تأمین بخشی از اهداف سیاسی و جناحی‌ای می‌باشد که رفیق ابراهیم در پی آن است، وگرنه چرا ایشان چنین فراخوانی را قبلاً مطرح نمی‌کردند!

محورهای اساسی اختلاف سیاسی‌ای که فراکسیون بر مبنای آن شکل گرفت یعنی انحلال حزب کمونیست ایران، عدم تحقق سوسیالیسم در یک کشور (ایران)، بی‌باوری به تحقق بدیل سوسیالیستی در ایران، ناکارا و بی‌عملی به حساب آوردن برنامه کومه‌له برای حاکمیت شورایی در کردستان، لزوم پرداختن به نقش احزاب در این برنامه در شکل دادن به حاکمیت سیاسی و اداره جامعه کردستان، انتساب کومه‌له به بی‌توجهی به مسأله ملی و نداشتن برنامه برای حل آن، وجود دیدگاه‌های کمونیسم کارگری در این تشکیلات؛ امروزه در قامت جناح راست به رهبری رفیق ابراهیم علیزاده، در این تشکیلات وجود دارد و رهبری کومه‌له را تحت سیطره خود قرار داده است. (قطعنامه و اطلاعیه کمیته مرکزی در مورد مواضع و عملکردهای جریان فراکسیون که در ضمیمه این نوشته آمده است، وصف حال امروزی جناح راست در این تشکیلات نیز هست). بنابراین در شرایط جناح‌بندی امروز در تشکیلات کومه‌له و حزب کمونیست، برای جناح راست، رفقای جدانشده فراکسیون می‌توانند متحد اصلی به حساب آیند. این است که رفیق ابراهیم به صورت بسیار حساب شده‌ای چشم طمع به آنان دوخته، در لابلای کلمات و عباراتی چون فراخوان به «کمونیست‌ها و سوسیالیست‌های کردستان، همه آنها که قبلاً در کومه‌له بودند،... به کومه‌له بپیوندید، حزب کمونیست مانعی بر سر راه این پیوستن شما نخواهد بود»؛ به فکر ازدیاد نیرو و تسویه حساب نهایی با جناح مقابل خود است. اگر چنین نیست، آیا مثلاً همین امروز تعدادی از اعضا و کادرهای طیف کمونیسم کارگری بخواهند به کومه‌له بپیوندند، واقعا رفیق ابراهیم آنها را خواهد پذیرفت!؟

در اینجا است که می‌توان هر چه بیشتر به ابعاد ناسالم چنین فراخوانی پی برد. این یک اپورتونیزم سیاسی و تشکیلاتی تمام عیار است. رفقای فراکسیون را مورد معامله قرار دادن است. تبدیل آنها به «سیاهی لشکر» است. دست‌کم گرفتن شعور آنان است. چگونه است که «دیروز به قول خودتان از خانه بیرون‌شان می‌کنید، حال پس از یک عمر آنهم هنگامی که در تنگنا قرار می‌گیرید، به آنها می‌گویید برگردید، اشتهای کردیم، خانه خودتان است...!» رفقای فراکسیون اگر بخواهند به تشکیلات برگردند، آیا بایستی منتظر فراخوان رسمی رهبری امروز کومه‌له باشند؟ آیا مگر ایشان نمی‌دانند که شرط ورود به کومه‌له، قبول برنامه و اساسنامه حزب کمونیست ایران است؟

این که قبلاً چنین رفقای حزب را هم قبول نداشتند اما در صفوف آن و در کنار دیگر رفقا مشغول کار و فعالیت خود بودند، با این که امروز پس از سال‌ها انشعاب از این حزب بخواهند دوباره به آن برگردند، دو موضع کاملاً مجزا از یکدیگرند. این رفقا با تجارب سیاسی‌ای که دارند، حزب کمونیست ایران و کومه‌له را با برنامه، اساسنامه و استراتژی سیاسی آن در سطح سراسری و در کردستان می‌شناسند و به رغم مواضعی که در گذشته داشته‌اند، اگر امروز مبنای این برنامه و استراتژی و اساسنامه را قبول داشته باشند می‌توانند مجدداً به آن بپیوندند.

طی همین یک سال‌ونیم اخیر، تحت فشار روش‌های به غایت غیردمکراتیک جناح رفیق ابراهیم علیزاده شمار چشمگیری از کادرهای قدیمی و خوشنام حزب و کومه‌له از عضویت در حزب کناره‌گیری کرده‌اند، بدون اینکه رفیق ابراهیم خمی به ابرو آورده باشد، بدون اینکه با یک نفر از آنها صحبتی کرده و یا دلایل کناره‌گیری آنها را جویا شده باشد. اگر واقعاً رفیق ابراهیم دلش برای پیوستن کمونیست‌ها و سوسیالیست‌ها به حزب و کومه‌له می‌تپد، می‌باید نسبت به کناره‌گیری کادرهای کمونیست این تشکیلات چنین رفتار می‌کرد؟ آیا وقتی رفیق ابراهیم با کمونیست‌های درون صفوف خودش چنین رفتار می‌کند، کسی می‌تواند چنین فراخوان‌هایی از او را جدی بگیرد!؟

پس بایستی منتظر ماند و دید که آیا معامله‌گری و طمع‌کاری‌های رفیق ابراهیم و دیگر هم‌فکرانش بر سر فراکسیون، به کجا می‌انجامد!

رفیق ابراهیم در صحبت‌های خود در حالی از سعه صدر و ایجاد فضایی برای دیالوگ سازنده سخن می‌گوید که خود وی امروزه علیه جناح مقابل شمشیرش را از روبسته و به سرکوب درون تشکیلاتی و حذف و سانسور روی آورده است، تلاش می‌کند هر طور که شده جناح مقابل را از این تشکیلات بیرون براند، تأخیر بیش از این در تعیین تکلیف برای خود و پیوستن تام به کمپ ناسیونالیسم را تحمل نمی‌کند، چراکه او دیگر نمی‌خواهد رفقای چون حسن شمس، صلاح مازوجی و دیگران، نقش ایجاد ترمز را بر او ایفا کنند.

واقعیت این است که رفیق ابراهیم علیراده اکنون وحدت دوباره با رفقای فراکسیون، و آن طیف از کسانی که برای توجیه دوری و بیگانگی‌های خود با کمونیسم و استراتژی سوسیالیستی کومه‌له در کردستان، حزب کمونیست ایران را بهانه قرار داده و به زعم خود آن را مانع رشد و شکوفایی کومه‌له می‌دانند؛ بر همزیستی با کمونیست‌های درون صفوف حزب و کومه‌له ترجیح می‌دهد.

برای یک لحظه برخورد و رفتار به غایت انعطاف‌پذیر رفیق ابراهیم با رفقای موسوم به روند سوسیالیستی (فراکسیون) را مقایسه کنید با رفتار به غایت نارفقانه و عنودانه ایشان با جناح مقابل با کمونیست‌های درون صفوف تشکیلات خودش، آنگاه متوجه واقعیت مسئله می‌شوید. بایستی به ایشان گفت که شعور مردم را تا این اندازه دست کم نگیرید، مردم متوجه چنین پیام‌های متناقضی از سوی شما هستند.

اظهار پشیمانی و ندامت گویی‌های رفیق ابراهیم در قبال موضوع فراکسیون، بسان یک اعتراف اجباری است، که او امروزه تحت فشار پاسخ به نیازها و منافع جناح راست و ناسیونالیستی‌ای که در رأس آن جای گرفته است، آشکارا به آن تن می‌دهد. و این تازه سرآغاز تن دادن‌های بیشتری برای او خواهد بود.

آنگونه که طی این سلسله نوشتار و نیز مطالب بسیاری دیگر از رفقا در مورد مواضع و اظهارات متناقض و وارونه رفیق ابراهیم و دیگر هم‌جناحی‌هایش در مورد اختلاف سیاسی و اوضاع جاری در تشکیلات کومه‌له و حزب کمونیست ایران و عملکرد واقعی آنان خصوصاً در برخوردهای بسیار ناروا به رفقای مخالف‌شان در این حزب و تشکیلات؛ نشان داده شده است چیزی جز یک سقوط تمام عیار و یک پشت کردن آشکار به ارزشها نیست. این خود بیش از هر چیز نمایانگر افلاس سیاسی در چپ‌نمایی و تظاهر به کمونیسم است.

هر وقت دیدگاه‌ها و مواضع به انحراف می‌رود، اراده‌ها برای کتمان و انکار و یا جعل واقعیات و خدشه بر آنها نیز بکار می‌افتند. چنین اراده‌ای همان و در غلطیدن به سرانگیختن سقوط همان!

۱۷ شهریور ۱۳۹۹

۷ سپتامبر ۲۰۲۰

ضمیمه ۱

قطعنامه پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران در مورد «فراکسیون فعالیت تحت نام کومه‌له»

۱. جمعی از کادرها و اعضای حزب کمونیست ایران در تیرماه ۱۳۸۷ برابر با ژوئیه ۲۰۰۸ بدون اطلاع مراجع تشکیلاتی با استناد به بند ۵ از ماده دوم فصل دوم اساسنامه حزب کمونیست ایران که به «محفوظ بودن حق اقلیت هر سازمان حزبی برای آنکه همه اعضای آن سازمان را از نظر و اختلافات خود با اکثریت مطلع نماید» تأکید دارد، تشکیل «فراکسیون فعالیت تحت نام کومه‌له» را اعلام کردند.

کنگره ۱۳ کومه‌له که در روزهای نیمه اول مرداد ماه ۱۳۸۷ برابر با نیمه دوم ژوئیه ۲۰۰۸ میلادی برگزار شد، بحث حول این فراکسیون را در دستور کار خود قرار داد. مباحثات انجام شده نشان می‌دهد که کنگره تشکیل این فراکسیون را جهت استفاده از این حق اساسنامه‌ای، تحصیل حاصل و از این رو غیر ضروری تشخیص داده است، و به علاوه استفاده از نام کومه‌له برای

شناساندن این اقلیت تشکیلاتی را فاقد موضوعیت می‌داند. با این همه کنگره بنا به دلایل اساسنامه‌ای تصمیم‌گیری قطعی در این رابطه را به کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران واگذار کرد.

۲. مفاد بیانیه اعلام موجودیت «فراکسیون فعالیت بنام کومه‌له» بسیار فراتر از یک اختلاف تاکتیکی معین و یا اختلاف بر سر سیاست مشخصی می‌باشد و مضامین آن در مغایرت و تقابل با موجودیت حزب کمونیست ایران، برنامه، مبانی استراتژی سیاسی و مبانی سیاست‌ها و تاکتیک‌های حزب کمونیست و کومه‌له قرار دارد و استناد این رفقا به بند اساسنامه‌ای مذکور نمی‌تواند مجوزی برای تشکیل این فراکسیون باشد. لذا پلنوم ضمن تأکید بر حق این جمع رفقا در استفاده از رسانه‌های حزبی برای انتشار نظراتشان، این فراکسیون را تحت هیچ عنوانی به رسمیت نمی‌شناسد.

در مورد استفاده از نام کومه‌له برای این فراکسیون پلنوم تأکید می‌کند که: کومه‌له در دل اوضاع انقلابی و تغییر و تحولات سیاسی یک دوره در جامعه کردستان با نقطه عطف‌های یک جنبش توده‌ای در هم‌آمیخته و به یک جریان قابل اعتماد در میان توده‌های کارگر و زحمتکش تبدیل شده بود. از این رو ۲۵ سال پیش کنگره مؤسس حزب کمونیست ایران بر ضرورت تداوم فعالیت کومه‌له تحت همین عنوان تأکید کرد و سازمان کردستان حزب را تحت همین عنوان نام‌گذاری نمود. پیوستن کومه‌له به جریان تشکیل حزب کمونیست ایران نه تنها خدشه‌ای به این واقعیت اجتماعی وارد نکرده است، بلکه به آن نیرو و توان تازه‌ای بخشیده است. کومه‌له بعد از تشکیل حزب کمونیست ایران تحت همین نام در کلیه عرصه‌های مبارزه سیاسی و طبقاتی حضور داشته است و هم اکنون نیز ارگان‌های مختلف کومه‌له با تمام توان به فعالیت خود ادامه می‌دهند. لذا با توجه به اینکه:

• الف: مفاد و مواضعی که در بیانیه اعلام «فراکسیون» آمده است با مواضع و دیدگاه‌های کومه‌له در هیچ مقطعی از تاریخ فعالیت آن خوانایی ندارد؛

• ب: در حالی که جمع فعالیت تحت نام «کومه‌له»، اقلیتی از اعضای تشکیلات را شامل می‌شوند، با ادامه فعالیت تحت این عنوان عملاً در تقابل با موازین اولیه تشکیلاتی که بر حق اکثریت اعضای تشکیلات مبنی بر استفاده از نام کومه‌له برای تداوم فعالیت‌های خود تأکید می‌کند، قرار می‌گیرند؛

لذا پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران، استفاده این رفقا از عنوان کومه‌له برای فعالیت‌هایشان را فاقد مشروعیت سیاسی و تشکیلاتی می‌داند.

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

۴ شهریور ۱۳۸۷

۲۴ اوت ۲۰۰۸

ضمیمه ۲

اطلاعیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران در مورد جمع موسوم به «فراکسیون فعالیت با نام کومه‌له»

اختلاف نظری که از مدتها پیش در صفوف حزب کمونیست ایران و کومه‌له بر سر مبانی فکری و سیاسی و آرایش تشکیلاتی این جریان بروز پیدا کرده بود و اقلیتی در درون ما آنرا نمایندگی می‌کردند، امروز به جایی رسیده است که آنان دیگر بطور کامل خود را با این جریان بیگانه احساس می‌کنند و همه شواهد نشان می‌دهد که حرکت جدایی‌طلبانه خود را بدون اعلام علنی آن عملاً تکمیل کرده‌اند. مبانی سیاست ما در برخورد به این مسئله همواره بر چند محور اصلی استوار بوده و هست:

اول، از نظر ما بروز اختلاف نظر در یک حزب سیاسی که حیات خود را به مبارزه در جامعه معینی مربوط کرده است، امری کاملاً طبیعی است. جامعه با اقشار و طبقات مختلف، با جنبش‌های اجتماعی متفاوت، با گرایش‌های فکری و سیاسی موجود در آن و با فرهنگ و اخلاقیات و سنن گوناگون، پدیده‌ای زنده و پر از جنب و جوش و مبارزه است، حزب سیاسی‌ای که با بخشی از تاریخ چنین جامعه‌ای عجین شده است به ناگزیر جدال‌ها و واقعیت‌های آن را در اشکال مختلف در درون خود منعکس می‌کند.

تمام مسئله اما بر سر این است که چگونه از درون کشمکش‌ها که تا حدود زیادی بازتاب جدال‌های واقعی درون این جامعه است، سالم، متحد و فعال بیرون خواهد آمد.

دوم، جریان ما ابزار مبارزه کارگران و مردم زحمتکش و ستمدیده است، آنها حق دارند در سرنوشت آن دخیل باشند و در جریان مسائل و مشکلات آن قرار بگیرند. تعیین تکلیف‌های زودرس تشکیلاتی که نتواند به آنها فرصت قضاوت، داورى کردن و دخالت در سرنوشت آنرا داده باشد در راستای سنت‌های پیشرو تاکنونی این جریان نیست. نشان دادن حداکثر تحمل و سعه صدر بعنوان یک فرهنگ در هنگام بروز اختلافات سیاسی به دلیل درک این واقعیت بوده است.

سوم، این حزب محصول چند دهه تلاش و مبارزه و جانفشانی است. انسان‌های وارسته بسیاری بخاطر این حزب و آرمان‌ها و اهداف آن جانباخته‌اند. رهبری این حزب مجاز نیست و نمی‌تواند در مقابل تلاش‌های انحلال‌گرانه‌ای که سنت‌های انقلابی و پیشرو و ادامه‌کاری آن را با مخاطره روبرو می‌سازد، مفاشات‌جویانه رفتار کند، بلکه بایستی بموقع و با صراحت و تعهد به انجام وظایفی که به وی سپرده شده است، از موجودیت آن، هم از لحاظ سیاسی و هم از لحاظ تشکیلاتی، دفاع کند.

با محور قرار دادن این جهت‌گیری‌ها بود که طی سال‌های اخیر مدام رفقای اقلیت درون حزب را که با مبانی فکری و خط رسمی حزب اختلاف داشتند تشویق کرده‌ایم که بیشترین تلاش خود را متوجه روشن کردن جنبه‌های سیاسی، فکری و برنامه‌ای این اختلافات بکنند. تریبون‌های حزبی همواره برای انتشار دیدگاه‌ها و نظراتشان بر روی آنها گشوده بوده است. متأسفانه آنها از این امکان مساعد تا هنگام برگزاری کنگره سیزدهم کومه‌له بهره‌چندانی نگرفتند و در مقابل اصرار ما مدام تأکید می‌کردند که آنها مشکلی با مبانی فکری و استراتژی سیاسی و برنامه‌های این حزب ندارند. تأکیدشان بر فعالیت بنام کومه‌له حتی مسئله کردستانی بودن یا سراسری بودن کومه‌له مورد نظرشان را مبهم باقی گذاشته بود. آنها می‌گفتند که تنها می‌خواهند شکل و قواره تشکیلاتی این جریان را عوض کنند. اما علیرغم هر توضیحی که آنها برای بیان مسئله خود داشتند، روشن بود که اولاً، خواهان انحلال حزب کمونیست ایران هستند و ثانیاً، با بسیاری از مسائل استراتژیک و سیاسی و فعالیت‌های این حزب چه در کردستان و چه در ایران اختلاف اساسی دارند. زیرا واقعیت این است کسانی که نه با شکل سراسری فعالیت این حزب، نه با برنامه و استراتژی سیاسی آن اختلافی نداشته باشند و تنها خواهان عوض کردن آرایش تشکیلاتی آن باشند، قاعدتاً می‌توانند در یک محیط سالم سیاسی و با روحیه‌ای وحدت‌طلبانه علیرغم داشتن این نظر در صفوف آن به فعالیت خود ادامه بدهند. اما عملکرد این رفقا نشان می‌داد که اختلافات آنها بسیار فراتر از یک ملاحظه تشکیلاتی در مورد نام و شکل فعالیت است و این واقعیت در آستانه کنگره سیزدهم کومه‌له سرانجام با روشنی بیشتری خود را نشان داد.

رفقای اپوزیسیون بعد از گذشت ۴ سال از اولین جزوه‌شان که به امضای ۷ نفر و تحت نام "ضرورت فعالیت بنام کومه‌له" منتشر شد، در تیرماه ۱۳۸۷ و قبل از برگزاری کنگره سیزدهم کومه‌له بیانیه اعلام موجودیت خود را تحت عنوان "فراکسیون فعالیت بنام کومه‌له" انتشار دادند. مفاد این بیانیه از اختلاف نظر بر سر آرایش تشکیلاتی و با اختلاف بر سر یک سیاست مشخص بسیار فراتر بود و مضامین آن در مغایرت و تقابل کامل با موجودیت حزب کمونیست ایران، برنامه و استراتژی سیاسی آن و برنامه کومه‌له برای حاکمیت مردم در کردستان، قرار داشت. این بیانیه در کنگره ۱۳ کومه‌له با شرکت خود این رفقا بطور مفصل مورد بحث و بررسی قرار گرفت. آنها فرصت داشتند تا آنرا در جزئیات هم تشریح کنند. شرکت کنندگان در کنگره فعالانه در مباحث آن شرکت کردند. در این کنگره غیر از نمایندگان منتخب، کلیه اعضای حزب بطور کلی و تشکیلات کردستان آن، کومه‌له بطور اخص می‌توانستند شرکت کنند و شمار نسبتاً زیادی هم شرکت کردند. مباحثات کنگره و بیانیه خود این رفقا نشان داد که اختلاف واقعی نه بر سر قواره تشکیلاتی و فعالیت کردن به این نام یا آن نام، بلکه بر سر کل مبانی فکری و سیاسی و استراتژی و برنامه‌ای جریان ما است. آنها در جریان مباحثات کنگره حتی شماری از رفقای را که قبلاً به آنها متمایل بودند را نیز از دست دادند. با همه اینها کنگره سیزدهم تصمیم‌گیری تشکیلاتی در مورد فراکسیون را مطابق اساسنامه به پلنوم کمیته مرکزی حزب واگذار کرد.

مدت کوتاهی بعد از برگزاری کنگره مباحثات آن از طریق تلویزیون و رادیوی کومه‌له انتشار علنی پیدا کردند. بیانیه آنها در نشریه رسمی حزب منعکس شد و مورد نقد سیاسی قرار گرفت. حزب تا این هنگام به پیروی از سنت‌های خود و با آگاهی از موقعیت اجتماعی خود و حساسیتی که مردم نسبت به مسائل درون این جریان از خود نشان می‌دهند، کماکان مایل بود و می‌کوشید که این رفقا را تشویق کند تا مضامین اختلافات سیاسی خود را بیشتر روشن کنند. اما طی هفت ماهی که از کنگره ۱۳ کومه‌له

می‌گذرد، این رفقا هیچ تلاشی در جهت روشن‌تر کردن مبانی فکری و سیاسی خود و پاسخ دادن به سؤالاتی که خود طرح کرده بودند، انجام ندادند و از فرصت‌هایی که برای تشریح دیدگاه‌های خود داشتند استفاده نکردند و در مقابل متأسفانه کارشکنی‌های خود را در زمینه‌های تشکیلاتی و پایمال کردن ضوابط حزب ادامه دادند، که در ادامه به موارد مشخص آن خواهیم پرداخت. پلنوم چهارم کمیته مرکزی حزب که در آن اعضای کمیته مرکزی کومه‌له نیز شرکت داشتند با توجه به بحث‌هایی که در کنگره سیزدهم کومه‌له صورت گرفته بود به این نتیجه سیاسی رسید که مفاد بیانیه اعلام موجودیت "فراکسیون فعالیت بنام کومه‌له" در مغایرت و تقابل با برنامه و مبانی استراتژی و مبانی سیاست‌ها و تاکتیک‌های حزب کمونیست ایران و کومه‌له است و اقدام این رفقا تحت این عنوان در واقع مقدمه درست کردن تشکیلاتی در درون تشکیلات حزب است. پلنوم با توجه به وظیفه‌ای که در زمینه حفظ انسجام تشکیلاتی و تأمین وحدت عمل حزب و کومه‌له بر عهده داشت پس از بررسی جوانب مختلف مسئله این فراکسیون را برسمیت نشناخت و در مقابل این حق را مطابق اساسنامه حزب برای این رفقا به رسمیت شناخت که آنان می‌توانند از طریق نشریات و دیگر رسانه‌های حزبی، هم تشکیلات و هم جامعه را از نقطه نظرات خود آگاه نمایند و بدین ترتیب از آن رفقا خواست بعنوان یک اقلیت سازمانی به کمک چنین ابزارهایی که در دسترس خواهند داشت به تشریح دیدگاه‌های خود نه تنها در درون تشکیلات بلکه در سطح عمومی هم بپردازند.

اما این رفقا در عکس‌العمل به تصمیم کمیته مرکزی نه تنها به تمایل عمومی نمایندگان کنگره و تمایل عمومی اعضا تشکیلات توجهی نکردند، بلکه در مقابل قطعنامه و تصمیم پلنوم کمیته مرکزی حزب مبنی بر به رسمیت نشناختن فراکسیون، شانه بالا انداختند و علیرغم همه تلاش‌ها، هشدار و تذکر کتبی رهبری حزب و هشدارهای مکرر اعضای حزب در جلسات تشکیلاتی نسبت به تداوم این رفتارها، به رفتار و برخوردهای غیر حزبی و تشکیلات‌شکنانه خود شدت بیشتری بخشیدند و به سازمان دادن و تأسیس یک تشکیلات در درون تشکیلات حزب اقدام نمودند و عملاً تشکیلات حزب کمونیست ایران و کومه‌له را به پایگاهی برای پیشبرد پروژه‌های سیاسی و تشکیلاتی خود در بیرون از تشکیلات تبدیل کردند.

صدور اطلاعیه‌های علنی که آشکارا وحدت اراده سیاسی کومه‌له در سطح علنی را به چالش می‌کشید، تشکیل جمع فراکسیون و رهبری آن با شرکت و حضور افراد غیرتشکیلاتی، اقدامات خودسرانه مکرر بدون اطلاع و اجازه ارگان‌های تشکیلاتی به منظور لطمه زدن به اعتبار ارگان‌های حزبی، تشکیل سازمان ویژه هواداران خود در شهر سلیمانیه، سازمان دادن پست مرزی برای رساندن جزوات به داخل و فراهم کردن تسهیلات لازم در این رابطه، تماس با شماری از فعالین تشکیلاتی در داخل کردستان به دور از ضوابط شناخته شده فعالیت حزبی در این زمینه و بدون اطلاع ارگان ذیربط، تعقیب پروژه نشست و گفتگو با جناح‌های مختلف انشعابی از کومه‌له و روند همگرایی با این جریان‌ها، تدارک امکانات مادی و تشکیلاتی برای پیشبرد این پروژه‌ها، تحریم مراسم روز کومه‌له و تلاش فعال برای از رونق انداختن این مراسم در همه جا، همه اینها تنها گوشه‌هایی از اقدامات انحلال‌طلبانه و فعالیت‌های مستقل سازمانی این رفقا در ماه‌های اخیر را تشکیل می‌دهد. این جمع همه این فعالیت‌های غیر حزبی را در حالی انجام داده است که هنوز رسماً خود را از صفوف این حزب خارج نکرده است.

همه این فاکت‌ها بیانگر این واقعیت ساده است که جمع موسوم به "فراکسیون فعالیت بنام کومه‌له" مدت‌ها است که عملاً در صفوف کومه‌له و حزب کمونیست ایران نیستند و جمع خود را در خارج از تشکیلات قرار داده‌اند. عملکرد این جمع اجتناب‌ناپذیری جدائی تشکیلاتی آنها که از بنیادهای فکری و استراتژی سیاسی جداگانه‌ای پیروی می‌کنند را با وضوح تمام به همگان نشان داده است. انصراف و خودداری این رفقا از اعلام رسمی این جدایی به دلیل بن‌بست‌های سیاسی و استراتژیک خط فکری آنها و عدم آمادگی کامل سازمانی، هیچ تغییری در ماهیت مسئله نمی‌دهد.

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران و کمیته مرکزی کومه‌له در نشست مشترک خود در روز یکشنبه اول مارس ۲۰۰۹ با یک ارزیابی عینی از فعالیت‌ها و عملکرد این رفقا بویژه از مقطع اعلام فراکسیون تا کنون، ادامه این وضعیت را غیر قابل قبول دانست و به این نتیجه رسید که بیش از این نمی‌تواند اجازه بدهد که این جمع از حزب کمونیست ایران و کومه‌له، تشکیلات کردستان آن، بعنوان پایگاهی برای پیشبرد پروژه‌ای که با مبانی اهداف و استراتژی سیاسی و برنامه این حزب مغایر است استفاده کنند. در واقع این خواست واقعی خود آنان است که در بیرون از این حزب و در بیرون از تشکیلات کردستان آن قرار بگیرند و مستقل از آن فعالیت خود را پیش ببرند. انتشار این اطلاعیه فقط به عملکرد واقعی و جدائی تشکیلاتی آنها برسمیت می‌دهد و در نتیجه کار مشترک و فعالیت این رفقا با جریان ما بدینوسبیله خاتمه خواهد یافت.

تردیدی نیست مردم کردستان که سال‌هاست از نزدیک با فرهنگ مبارزه حزبی آشنایی دارند و مبارزه حزبی را یک پیشرفت تاریخی و یکی از دستاوردهای با ارزش مبارزه خود علیه رژیم دیکتاتوری جمهوری اسلامی و تلاش برای دستیابی به

خواستهایشان می‌دانند، این واقعیت را قبول می‌کنند که وجود اختلاف نظر و دیدگاه‌های مختلف و حتی انشعاب در صفوف احزاب بخش جدائی ناپذیری از واقعیت یک جامعه تحزب یافته است. زمانی که اختلاف بر سر بنیان‌های فکری و استراتژیک جدایی را اجتناب ناپذیر می‌کند، وقوع آنرا بعنوان یک واقعیت بایستی پذیرفت و تلاش نمود که با رفتار متمدنانه و سالم زیان‌های آنرا به حداقل رسانید و از این راه نیز به ارتقا فرهنگ سیاسی در جامعه کمک کرد.

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

۹ مارس ۲۰۰۹

۱۹ اسفند ۱۳۸۷